

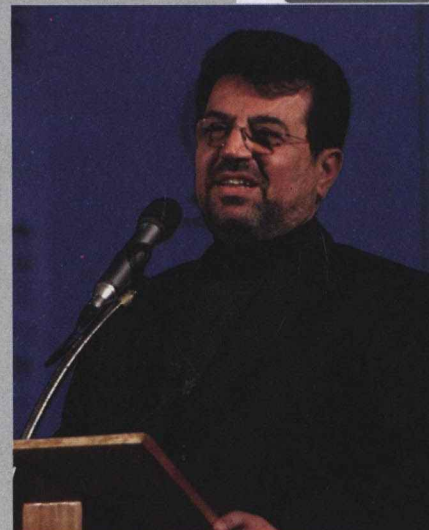
نمایشنامه

NAMAYESHNAMEH

نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
دغدغه هنرمندان ، ترسیم چشم اندازها مبتنی بر الگوی مطلوب
بخش چشم انداز، گامی به سوی جهانی شدن
شاعرانگی لورکا در اجرایی شیشه ای ...!
جشنواره ای در ستایش چخوف



دغدغه هنرمندان، ترسیم چشم اندازها مبتنی بر الگوی مطلوب



سال‌های حیات پرافتخار انقلاب و نظام اسلامی برای همه آنان که دل در گرو شکوفایی فرهنگ و هنر دارند، سال‌های سبز رویش جوانه‌های نور و امید بوده است. اگر از منظر انصاف و اعتدال، نشانه‌ها و شواهد این شکوفایی را جست‌وجو کنیم، به درستی درخواهیم یافت که با همه فراز و نشیب‌ها و شدت و ضعف‌هایی که در مسیر رشد فرهنگ و هنر این سرزمین بوده، حرکت تصاعدی در این عرصه هیچ‌گاه متوقف نشده است. روشن است که بنا به موقعیت و شرایط متفاوت فرهنگ و هنر ایران اسلامی در مقاطع مختلف، دامنه تغییرات نیز افت و خیز داشته است. ولی با اعتقاد کامل باید گفت که مطابق جهت‌گیری بنیادین طلایه‌دار کبیر انقلاب اسلامی (ره) و دمیده شدن روح اعتلای فرهنگی در جسم و جان پیروان انقلاب، دغدغه فرهنگ و هنر، همواره در اندیشه مردم به ویژه برگزیدگان ملت در توجع بوده است. لذا افت و خیزهای ناشی از شرایط و مقتضیات اجرایی و ضعف و قوت اهرم‌های سازمان رسمی فرهنگ و هنر، به رغم همه تأثیرات خرد و کلانی که بر این عرصه نهاده است، هیچ‌گاه فرهنگ و هنر مستعلی و متصاعد انقلاب اسلامی را به سکوت و خاموشی وا نداشته است.

انکار نباید کرد که منظره رسمی فرهنگ و هنر و سهم و جایگاه آن در اولویت‌ها و جهت‌گیری‌ها، منظره مطلوب و درخشان نبوده و نیست. گویا نبود باورهای بنیادی به ارج و منزلت فرهنگ و هنر همیشه گریبان‌گیر ما بوده و بی‌مهری‌ها و کاستی‌های خواسته و ناخواسته «مظلومیت فرهنگ» را مضاعف ساخته است. بی‌تردید برای کشوری که فجر انقلاب اسلامی را تجربه کرده و دین‌مداری و فرهنگ‌باوری را با کیان نظام اسلامی توانا ساخته است، تحمل ضعف فرهنگ و هنر و تکرار و تداوم کاستی‌ها، امکان‌پذیر نبوده و نیست. توجه و تاکید صریح مقام معظم رهبری در این زمینه، اتمام حجت و ختم کلام است و تکلیف نهایی همه عوامل و مراجع تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و مدیریتی کشور را روشن کرده است. طبعاً تاکید مقام معظم رهبری جای هیچ عذر و بهانه‌ای را باقی نگذاشته و کوشش مضاعف متولیان و اصحاب فرهنگ و هنر را از یکسو و باورمندی عمیق عوامل برنامه‌ریز و قانون‌گذار کشور را از سوی دیگر، ایجاب نموده است. باید امید داشت که در سایه چنین نگرشی، فرهنگ و هنر ناب این سرزمین، مطابق اهداف و بنیان‌های انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی، بیش از پیش‌زمینه رشد و شکوفایی یافته و شایستگی هنرمندان ایرانی در داخل و خارج کشور، هر روز بیشتر آشکار شود.

براین باوریم که هنر مبتنی بر اندیشه‌های ژرف و اثرگذار اجتماعی، دستوراد پراج انقلاب است. مقایسه هنر سطحی و بی‌بهای سال‌های سیاه استبداد با آنچه امروز به عنوان هنر متعالی و مبتنی بر ایمان و اندیشه، در پرتو انقلاب و نظام اسلامی دیده می‌شود، بخشی از برکات و ثمراتی است که همراه طلوع فجر انقلاب به ما رسیده است. قدر این برکات را باید دانست و رشد و شکوفایی آن را بیش از پیش جست‌وجو کرد. این رسالت همه ماست و تلاش و کوشش یکایک هنرمندان و متولیان رسمی هنر را ایجاب می‌کند.

تأثیر فجر به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری سال‌های پس از انقلاب، امروز به درجات ارزنده‌ای از رشد و کمال رسیده است و لذا به غایت خرسندیم که هر سال نمونه‌های ارزشمندی از آثار هنری در این رویداد متجلی شده و به مردم دانا و نجیب ایران تقدیم می‌شود. بنابراین باید به تجلیات درخشان این رویداد مبارک، صمیمانه مباحثات کنیم و به شکرانه این فرصت ارزشمند فرهنگی اجتماعی، کوشش و همت خود را بیشتر سازیم. باید تصریح کرد که هنرمندان میزبان اصلی جشن بزرگ تأثیر فجر انقلاب هستند و ما همراه و همدل با یکایک این عزیزان کوشیده‌ایم که توفیق خدمت به ایشان را پاس داشته و از این طریق شکرگزار موهبت فجر انقلاب نیز باشیم. هنرمندان والای تأثیر به خوبی می‌دانند که در هنر نمایش، با گستره معناپردازی بسیار وسیعی روبه‌رو هستند و همین عامل، موجب ظهور و بروز برکات عمیق فرهنگی در جامعه می‌شود و بی‌اغراق نتایجی را به بار می‌آورد که از هیچ طریق دیگر امکان‌پذیر نیست. لذا عمیقاً به کوشش آنان احترام گذاشته و دبستگی و ارادت قلبی خود را به محضر ایشان اعلام می‌کنیم. علاوه بر این به دلیل اتکای هنرمندان ما به مبانی فکری و فرهنگی اصیل دینی و ملی، شاهد برتری آشکار آثار نمایشی آنان نسبت به تأثیر سردرگم برخی جوامع به ظاهر توسعه‌یافته هستیم، زیرا تأثیر بی‌اندیشه در عالم توهم است و تصاویر و ایده‌هایش، حقیقی نیست و نمی‌تواند با مردم ارتباط داشته باشد.

براین باوریم که ایمان می‌تواند عالی‌ترین مسیرهای رشد را در برابر هنرمند و مخاطبش بگشاید و ناب‌ترین اندیشه‌ها را به سوی جامعه سوق دهد. هنر متجلی در فجر انقلاب، هنر مبتنی بر ایمان است و هنرمندان به غایت، ارزش این تجلی را دریافته‌اند و هیچگاه از سرعت رشد و شکوفایی خود در این عرصه نمی‌کاهند.

با این حال تاکید می‌کنیم که توجه به برخی نکات که رشد مستمر هنر نمایش را سرعت خواهد داد، ضرورت دارد زیرا نباید از یاد ببریم که شناسایی وضعیت گذشته و موجود تأثیر ایران و ترسیم مهم‌ترین چالش‌هایی که با آن مواجه است و نیز ترسیم چشم‌اندازهای مبتنی بر الگوهای مطلوب از جمله مهم‌ترین وظایف مستمر همه ماست. در حقیقت این موارد می‌بایست دغدغه همه هنرمندان باشد. اگرچه ما به معیارها و شاخص‌های اصلی در سطح جهان نیز محتاجیم ولی فرصت‌ها و تهدیدهای موجود را نباید از دست بدهیم.

باید مشکلات و واقعیت‌ها را پذیرفت تا بتوان بر آن چیره شد. ما می‌دانیم که دولت وظیفه دارد هر روز بر دامنه کمک‌های خود به هنر نمایش بیفزاید اما این روند نباید به وابستگی و قالبی شدن شیوه‌ها بینجامد. غیر از این، مسائل و مشکلات متعدد دیگری نیز هست که همه و همه در جای خود نیازمند بررسی و رفع و رجوع است. امیدواریم که به مدد کوشش مداوم و همت بی‌دریغ خانواده بزرگ تأثیر کشور و همراهی و همگامی مسوولان هر روز که می‌گذرد مشکلی از صحنه‌های نمایش در ایران مرتفع شده و خشتی بر خشت دیگر نهاده شود.

توفیق روزافزون همه شما عزیزان را از خدای بزرگ خواستارم و برای همه دست‌اندرکاران صدیق و کوشای تأثیر فجر پاداش شایسته الهی را طلب می‌کنم.

تئاتر شهرستان رکن اصلی توسعه تئاتر کشور است

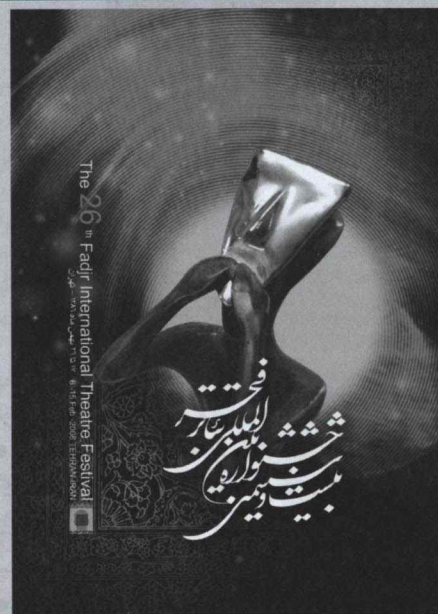
نمایشی برای یک تماشاگر

این «راشامون» حسابی این روزها نقل محافل تئاتری است. این نمایش که در هر اجرا تنها یک تماشاگر را در سالن می پذیرد باعث به وجود آمدن کنجکاوهای فراوان شده است. «دومینیک اوپر» تهیه کننده و طراح صحنه نمایش «راشومون» تماشاگران ایرانی را به دیدن این نمایش تجربی دعوت کرد تا دوباره داغ دل تئاتری ها تازه شود. «راشومون» نمایشی است که توسط دو گروه «میکسکا» و «بلندورک» در سوله پارک لاله اجرا می شود. اما اگر می خواهید کنجکاوای هایتان کمی فروکش کند بخوانید که اوپر در توضیح موضوع و نحوه اجرای این نمایش گفت: با دیدن این نمایش تماشاگر به محض خرید بلیت، کلیدی دریافت کرده و وارد صحنه ای می شود که شبیه هتل طراحی شده و پنج اتاق دارد. او به طور مستقیم با بازیگران ارتباط برقرار می کند که ویژگی برجسته این نمایش تجربی به حساب می آید.

دیگر اینکه برنهارد میکسکا، کارگردان این نمایش، به دلیل بیماری توانسته گروه را همراهی کند. این اثر محصول دو کشور آلمان و سوئیس است که به زبان آلمانی به روی صحنه می رود. «راشومون» پیش از این در کشورهای آلمان، ایتالیا و سوئیس به روی صحنه رفته است. «راشومون» نوشته «آکوتاگاوا» نویسنده ژاپنی است که آکیرو کوروساوا فیلمساز برجسته ژاپنی نیز فیلم خود را براساس آن ساخته است.

دکتر مجید سرسنگی دبیر بیست و ششمین دوره جشنواره بین المللی تئاتر فجر شب گذشته ضمن حضور در محل اقامت میهمانان شهرستانی جشنواره واقع در هتل فرهنگیان از نظرات شرکت کنندگان شهرستانی در خصوص اطلاع رسانی و خدمات اجرایی جشنواره مطلع شد.

وی در خاتمه این بازدید ضمن ابراز خوشحالی از حضور تعداد کثیر هنرمندان شهرستانی در جشنواره بیست و ششم تئاتر شهرستان را رکن اصلی تئاتر کشور خواند و اظهار امیدواری کرد که تئاتر شهرستان بتواند از جایگاه رفیع تری در سطح ملی و بین الملل برخوردار شود.



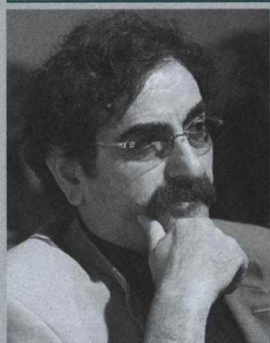
آرزوی سلامتی برای عزت الله انتظامی و جمشید مشایخی

مطلع شدیم آقای بازیگر ایران مدتی است از عارضه تنفسی رنج می برند. خوشبختانه وضع جسمی استاد عزت الله انتظامی رو به بهبودی است و ایشان به زودی از بیمارستان مرخص خواهند شد. همچنین استاد جمشید مشایخی به دنبال عارضه قلبی که در گذشته داشتند. دیروز در بیمارستان آتیه بستری شدند. خوشبختانه وضع جسمی ایشان هم نگران کننده نیست.

تحریریه بولتن جشنواره بیست و ششم و جامعه تئاتری ایران برای بهبودی هرچه زودتر این دو عزیز گرانقدر، دعای خیر و آرزوی سلامتی می کند.



شهرام ناظری: حضور بزرگان در عرصه تئاتر بسیار مغتنم است



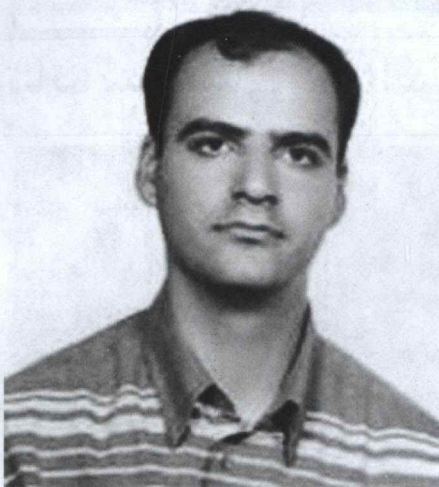
او درباره اجرای «افرا» گفت: «آنقدر این کار مرا تحت تاثیر قرارداد که به شدت اشک ریختم. نمایش بسیار عجیبی بود و تاثیری که روی من گذاشت برای خودم عجیب بود، بیضایی سلطان تئاتر است.» او کار را از نگاه یک موسیقیدان این گونه تحلیل کرد: «کار فوق العاده بود و یک نوع موسیقی خاص و هارمونی در کل حرکات بازیگران بود که بسیار حیرت انگیز بود.

همینطور بیان و حرکت بازیگران، موسیقی منحصر به فردی داشت. همچنین روز اول جشنواره نیز طبق شنیده ها حسین علیزاده دیگر موسیقیدان برجسته ایرانی به تماشای این نمایش نشست.

حضور بهرام بیضایی با اجرای «افرا» در بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر، این دوره از جشنواره را بیش از پیش پر بار کرد. روز گذشته آخرین اجرای «افرا» در تالار وحدت با حضور تماشاگران ویژه ای به روی صحنه رفت. از جمله شهرام ناظری که یکی از مفاخر عرصه موسیقی کشورمان است. ناظری پس از پایان اجرای «افرا» و در حالی که در تمام مدت ۱۰ دقیقه تشویق بی وقفه تماشاگران با شور و شعف به تشویق گروه پرداخت به خبرنگاران بولتن درباره حضورش در جشنواره گفت: «من همیشه یکی از علاقه مندان تئاتر هستم. خصوصاً نمایش های بهرام بیضایی که بدون شک آن را از دست نمی دهم.» ناظری که اجرای «بانوی سالخورده» حمید سمندریان را نیز به تازگی دیده است، حضور امثال این بزرگان را در عرصه تئاتر بسیار مغتنم می داند و به عنوان یک اهل هنر می گوید: «تاثیر حضور آنها مثل تاثیر نور خورشید در روز شدن است.»

کوتاه با مسوول بخش تئاتر فراگیر و امور سالن ها

تئاتر حرفه‌ای منحصر به تئاتر شهر نیست



و در عین حال به گسترش سطح مخاطب توجه داشته باشد.

از طرفی سطح تماس مردم با هنرمندان تئاتر باید بیشتر شود تا مردم کارهای خوب را ببینند و با آن آشنا شوند. در حقیقت شناخت اکثر مردم منحصر به تله تئاترهایی که از تلویزیون پخش می‌شود، شده است در حالی که برای راه یافتن این هنر به اقشار مختلف راه‌های بسیاری وجود دارد. در جشنواره سال جاری تلاش کردیم تا تئاتر مردمی با اقشار مختلف جامعه برخورد داشته و بتواند بازار تقاضا برای تئاتر در جامعه ایجاد کند. در این زمینه سعی کردیم در حد بضاعت جشنواره که فقط در حد یک ویرترین برای تئاتر است، یک نمونه یا الگویی از این حوزه را ارائه دهیم که اگر این الگو موفق شد، مسوولان فرهنگی آن را در طول سال ادامه دهند.

● بخش اقماری شامل چه مکان‌هایی است؟

در بخش نیروهای مسلح، هشت پادگان از ارتش، هجده کارخانه، هفت موسسه خیریه و مرکز توانبخشی، ۶ مرکز زیر نظر نیروی انتظامی، پنج مرکز در حوزه نیروی مقاومت بسیج و ده فرهنگسرای مختلف را تحت پوشش قرار می‌دهیم.

● معیار انتخاب گروه‌های نمایش تئاتر برای همه چیست؟

بخش اعظمی از این نمایش‌ها از دل بخش نمایش‌های خیابانی انتخاب شده‌اند. یکی، دو کار را سفارش دادیم

«اصغر حساس»، کارشناس ارشد کارگردانی از پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران است که در جشنواره بیست و ششم، مسئولیت بخش تئاتر فراگیر و امور سالن‌ها را بر عهده دارد. وی که در کارهای متعددی چون ریچارد دوم، شاه لیر، کالیگولا و... به ایفای نقش پرداخته، مسئولیت اجرایی را در جشنواره تئاتر تجربه رضوی نیز تجربه کرده است.

● در مورد مراکزی که تئاتر برای همه اجرا می‌شود، توضیح بدهید؟

این مراکز به چند دسته تقسیم می‌شوند. یکسری مراکز کارخانه‌ها هستند که از طرف روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی معرفی شده‌اند و مکان‌های دیگر، مراکز نظامی و انتظامی هستند که در سه بخش (ارتش، نیروی مقاومت بسیج، نیروی انتظامی) معرفی شده‌اند. دسته سوم نیز مراکز تحت پوشش مراکز بهزیستی و خیریه چون بیمارستان‌های جانبازان هستند؛ البته بخشی نیز در رپراتوار تئاتر کودک وجود دارد که در مهدکودک‌ها و مدارس ابتدایی و ۱۰ فرهنگسرا اجرا می‌شود.

● تئاتر برای همه چه نوع تئاتری است؟

این شعار مختص این دوره نبوده و مدتی است که در جشنواره فجر مطرح می‌شود، در این رابطه باید اذعان داشت که تئاتر ما تنها منحصر به مجموعه تئاتر شهر شده است در حالی که باید کل جامعه را پوشش داده

و علاوه بر آن از تعدادی از مراکز خواستیم که خود تولیداتشان را به ما عرضه کنند.

● که عمدتاً این گروه‌ها حرفه‌ای نیستند...

اگر تلقی تئاتر حرفه‌ای فقط نمایش‌هایی است که در تئاتر شهر یا یکی دو سالن دیگر اجرا می‌شود، این گونه نیست، اکثر این گروه‌ها در طول سال فعالیت می‌کنند.

● برای تبدیل جشنواره کاربردی به جشنواره راهبردی چه تمهیداتی لازم است؟

قوی کردن بنیه پژوهشی و تحقیقی اولین قدمی است که در تئاتر باید رخ دهد. تا زمانی که کار پژوهشی به شکل اساسی صورت نگیرد، نمی‌توان به ایجاد تئاتری قوی امیدوار بود. البته در بخش پژوهشی و آرشیو این اتفاق تا حدی افتاده است که باید ادامه داشته باشد و مختص ایام جشنواره نباشد. به نظر من اولین قدم این است تا براساس آن دستاوردها، حوزه‌های پژوهشی و تحقیقی که به دست می‌آید، راهکاری برای تئاتر ارائه شود.



این مدرس تئاتر یادآور شد: من به عنوان استاد تئاتر سعی خواهم کرد که دانشجویانم را طوری هدایت کنم که مردم بازخورد کار آنها را ببینند

او درباره اینکه چرا

در عرصه کارگردانی فعالیتی ندارد، گفت: «احساس می‌کنم کارگردانی تئاتر فراتر از آن چیزی است که در تصور بسیاری از هنرمندان وجود دارد، من هنوز شهامت این کار را ندارم. دوست ندارم کاری را کارگردانی کنم که هم خودم و هم دیگران انتظار آن را نداشته باشند. تصور من این است که کارگردانی تئاتر یک کار راحت نیست و جریان پیچیده‌ای است و یک کارگردان که نمایشی خوب به‌روی صحنه می‌برد، در واقع یک فیلسوف است.

شیرین بزرگمهر: این جشنواره می‌تواند فرهنگ تئاتر دیدن را ارتقا دهد

جشنواره تئاتر فجر ویرترین تئاتر ایران نیست، بلکه واقعیت تئاتر ایران و موجودی تئاتر کشور است.

شیرین بزرگمهر، مدرس تئاتر، که شب گذشته میهمان جشنواره بیست و ششم بود، درخصوص جشنواره امسال گفت: «هنوز نمی‌توانم در مورد کیفیت جشنواره مطلبی بگویم، اما باید توجه کرد که برگزاری جشنواره تئاتر فجر در چنین سطح گسترده‌ای بسیار مناسب است. جشنواره فجر باید واقعیت تئاتر ایران باشد و در آن کمیت مهم است و البته کیفیت.

وی افزود: زمانی که جشنواره در این حجم برگزار می‌شود، مکانی برای همه علاقه‌مندان تئاتر به‌وجود می‌آورد که در حضور تماشاگران علاقه‌مند به تجربه‌گری بپردازند و در این جریان است که تئاتر شکل می‌گیرد. بزرگمهر گفت: خصوصیت این جشنواره اجرای تئاتر در همه جای شهر است. این امر سبب می‌شود که فرهنگسازی انجام گردد و فرهنگ تئاتر دیدن در کشور ایجاد شود.

در حاشیه روز دوم جشنواره

ایجاد بسته‌های علمی - پژوهشی؛ یک اتفاق ضروری

● مهرداد رایانی مخصوص

اساساً رویکرد پژوهشی حدود ۴ تا ۵ سال است که در کشور ما به شکل جدی در حال پیگیری است.

طبع مسوولان در حوزه‌های علوم انسانی در این خصوص خوشبختانه تحریک شده است و نهادها و مراکز حتی NGOهای موجود در کشور به شکلی مستمر پیگیر این امر هستند. خوشبختانه این وضعیت در حوزه‌های هنرهای گوناگون از جمله تئاتر تسری پیدا کرده است.

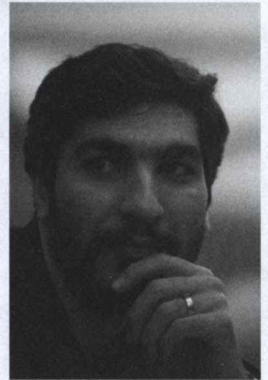
اگر به تاریخچه تئاتر مان و برگزاری جلسات و نشست‌های علمی

مراجعه کنیم، در می‌یابیم اغلب این جلسات بدون پیش‌فرض و مطالعات مقدماتی انجام می‌پذیرفت.

به عنوان مثال اگر قرار بود در حاشیه جشنواره‌ای، تعدادی سخنرانی ارائه شود، صرفاً با دعوت کردن عده‌ای از افرادی که در آن سرفصل موضوعی متخصص بودند، کار انجام می‌شد اما امروزه ارائه چکیده و به وجود آوردن هیئت علمی انتخاب مقالات و سایر تشریفات اداری و علمی در حال به وقوع پیوستن است؛ ضمن آن که مطالعات اولیه درباره نیازهایی که جامعه تئاتری ما به آن احتیاج دارد، انجام می‌پذیرد. این روند هنوز شکل ایده‌آلی به خود نگرفته اما قطعاً با این روندی که در پیش است، مبنی بر اینکه حتماً جریان‌ها و تشکلهای مختلف جدای از جریان متعارف خود، بسته‌ها و پکیج‌های پژوهشی و علمی را به وجود آورند امری است ضروری بدون تردید حرکت‌های جشنواره‌ای که امروز در سطح الف برگزار می‌شود، با پکیج‌های علمی - پژوهشی همراه است. به عنوان مثال همین جشنواره بیست و ششم تئاتر فجر، جشنواره نمایش‌های آیینی - سنتی که امسال برگزار شد، جشنواره تئاتر دانشگاهی که سال آینده برگزار می‌شود، همگی سعی کردند خود را همراه با این پکیج‌های فرهنگی و پژوهشی کنند.

مثل انتشار کتاب، برگزاری نشست‌های تخصصی از پیش تعیین شده با سرفصل مشخص، برگزاری ورک شاپ‌های علمی - پژوهشی، برگزاری سمینارهای مرتبط و... در حقیقت انگیزه اصلی برای تحقق این پژوهش‌ها ایجاد اسناد و تولید اندیشه و علم مورد نیاز جامعه تئاتری است که رفته‌رفته دارد بهبود پیدا می‌کند. امیدوارم مراکز مختلفی در حوزه تئاتر فعالیت می‌کنند، همواره نگاه پژوهشی را به عنوان یک زیر ساخت فرهنگی مدنظر قرار دهند و سعی کنند در محصولاتی که ارائه می‌شود، سهمی را هم برای امر پژوهش و تحقیق قائل شوند.

برخی تشکلهایی که در حوزه تئاتر ما وجود دارند همچنان بدون بحث‌های پژوهشی حرکت خود را پی می‌گیرند. نیاز است هر چه زودتر این مراکز نیز رویکرد پژوهشی و علمی خود را افزایش داده یا آن را ایجاد کنند. در عین حال بحث پژوهشکده تئاتری زمانی می‌تواند معنای خود را پیدا کند که تئاتر مادر حوزه‌های مالی، معنوی و سیاست‌گذاری مشروعیت یافته و فعالیت‌های پژوهشی آن در قالب یک مرکز دولتی پیگیری می‌شود. تنها از این حیث می‌توانیم پژوهشکده تئاتری تأسیس کنیم و آن را در زیر مجموعه مرکز مادر قرار دهیم.



کردند و دوست دارم همین جا از آنها تشکر کنم و یک تشکر دیگر هم از «مهرداد رایانی مخصوص»، مدیر مجموعه تئاتر شهر، که درست مثل کارگردان دنبال حل مشکلات بود، دارم. نگرانی و حمایت او برای من بسیار جالب توجه بود.

هدیه تهرانی، بازیگر سینمای ایران، نخستین تجربه تئاتری خود را با طراحی لباس «یرما» آغاز کرد. جالب اینجاست که طبق شنیده‌ها این بازیگر هیچ صحبت مالی‌ای با گروه نداشته و بدون گرفتن دستمزد طراحی لباس را انجام داده است.

عده‌ای از تماشاگران از سردی برخی سالن‌ها گلایه داشتند که باید گفت سردی سالن‌ها این روزها به این دلیل است که بازسازی تئاتر شهر تازه تمام شده و سیستم‌های گرمایشی هنوز کامل نیست. هرچند انبوه تماشاگران در سالن‌ها کمک زیادی به گرم شدن سالن‌ها کرده است.

نشریه روزانه جشنواره هم در روز دوم خبرساز بود. این شایعه بین برخی خبرنگاران و عکاسان پخش شده بود که سی دی نشریه در راه چاپخانه دزدیده شده و به همین خاطر نشریه روزانه دیر به سالن رسیده است.

یک همکار منتقد پاکت بلیت‌های گلچین شده خود را گم کرد. تنها باید بگوییم که خوش به حال کسی که این بلیت‌ها را پیدا کرده است.

تماشاگرانی که به تماشای «سودالایادی» کار مهدی فرج پور در تالار مولوی نشستند، راضی‌تر از دیگر تماشاگران از سالن خارج می‌شدند. گویا این نمایش اثری متفاوت از مهدی فرج پور بود.

تیزر جشنواره امسال مرتب از تلویزیون محیطی تئاتر شهر پخش می‌شود. این روند در تلویزیون‌های شهری سراسر تهران نیز رخ می‌دهد.

منیژه محامدی برای کمک کردن به بچه‌های نمایش «مدارا» در دومین روز از جشنواره تئاتر حاضر شد. او آمده بود تا اگر کمکی خواستند یاریشان کند. در همین راستا «محامدی» یک بازیگر به گروه تئاتر مدارا قرض داده بود.

امسال دفتر روابط عمومی تئاتر شهر در اختیار خبرنگاران قرار گرفته است تا با خیالی آسوده مطالب خود را تهیه کنند.

در بخش نمایش خوانی جشنواره «هویت پنهان» دیروز روخوانی شد. در روز دوم جمعیت به حدی بود که بسیاری ایستاده برنامه نمایش‌نامه خوانی را دنبال کردند.

مهمانان روز دوم برنامه تلویزیونی تئاتر چهار که روز دوم جشنواره روی آنتن رفت، نادر برهانی مرند و محمد امیر یار احمدی بودند. همچنین موضوع برنامه سوم تئاتر ایران در خصوص سمینار نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی بود.

شب دوم جشنواره، خبرنگاران بیشترین تماشاگران نمایش «من آلیس نیستم...» در سالن چهار سو بودند.

آسانسور تئاتر شهر چند مصدوم داشت. سرعت بالای آسانسور به حدی بود که روز دوم جشنواره یک خبرنگار خبرگزاری و یک دوربین شبکه تلویزیونی مصدوم شدند.

تمام نمایش‌های روز دوم جشنواره به موقع اجرا شدند، به جز دو نمایش. اجرای اول «من آلیس نیستم» به کارگردانی «محمد حاتمی» با ۴۵ دقیقه تاخیر در ساعت ۱۹ و ۱۵ دقیقه آغاز شد و «یرما» هم با تاخیر ۴۵ دقیقه‌ای به علت ازدحام تماشاگران و مشکل نور سالن قشقای به روی صحنه رفت. «رضا گوران» کارگردان «یرما» به علت همین تاخیر ۴۵ دقیقه‌ای کمی عصبانی بود. او به خبرنگار نشریه روزانه جشنواره گفت: بچه‌های مسوول نور تئاتر شهر کمک بسیاری

مروری بر فعالیت حرفه‌ای زنده‌یاد اکبر رادی، نمایشنامه‌نویسی که امسال در میان ما نیست

مرگ نویسنده در زمستان

کامپیوتر هستند.

این نمایشنامه‌نویس همچنین در مقام استاد دانشگاه در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس دروس نمایشنامه‌نویسی پرداخت و در سال ۱۳۷۳ بازنشسته شد.

اولین تجربه جدی رادی در حوزه ادبیات داستانی بود به نام «باران» که در مسابقه داستان‌نویسی مجله «اطلاعات جوان» چاپ و میان بیش از هزار داستان در سال ۱۳۳۸ برنده جایزه اول شد. او در سال ۱۳۳۶ اولین نمایشنامه خود به نام «از دست رفته» را به رشته تحریر درآورد اما به علت دلخواه نبودن آن را هرگز در لیست آثار خود قرار نداد.

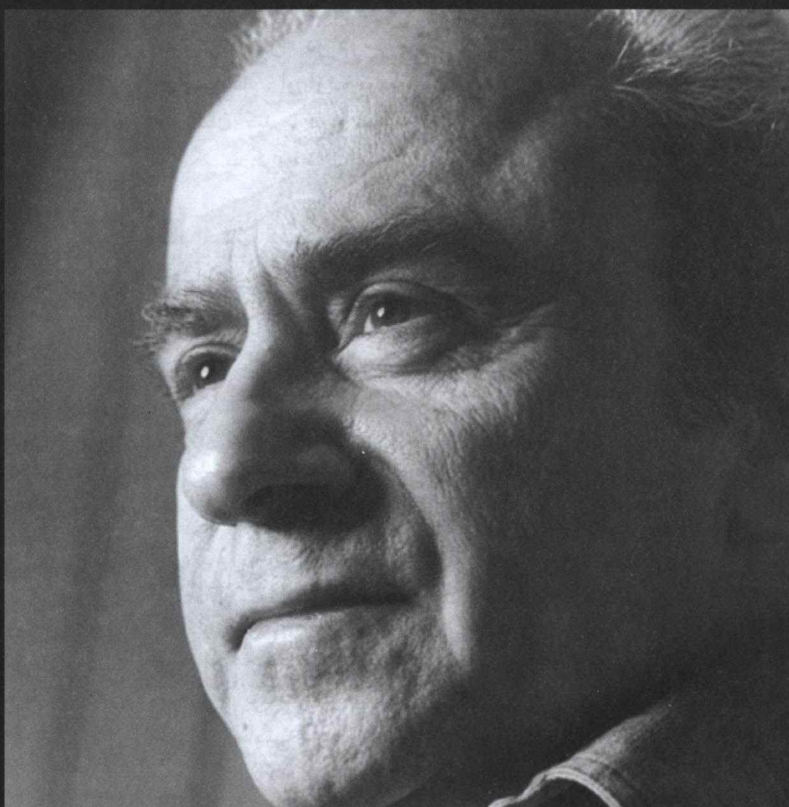
نخستین و مهمترین اتفاق زندگی رادی آشنایی او با شاهین سرکیسیان به معرفی احمد شاملو در سال ۱۳۳۹ بود. سرکیسیان که برسیستم استانیسلاوسکی تسلط کامل

داشت، بعد از خواندن «روزنه آبی» و تحسین فراوان رادی جوان، تصمیم به اجرای آن گرفت و مصرانه از رادی خواست که جز نمایشنامه چیز دیگری ننویسد.

دومین اتفاق موثر در زندگی رادی آشنایی او با جلال آل‌احمد است و با اینکه به لحاظ فکری با هم تفاوت زیادی داشتند اما رادی، آل‌احمد و سرکیسیان را در زندگی خود بسیار پررنگ و با اهمیت برمی‌شمارد.

نخستین نمایشنامه‌ای که رادی خوانده دوشیزه اورلئان، شیلر - است، اما او بیشترین تأثیر را در نگارش آثارش از «چخوف» و «ایسن» گرفته است. تماشای صحنه تأثیر هیچ‌گاه رادی را ارضانمی‌کرد و خواندن نمایشنامه را به تماشای آن ترجیح می‌داد و برخلاف نظریات متعدد نمایشنامه را یک شکل کامل ادبی می‌دانست که برای تکمیل، نیازی به صحنه تأثیر ندارد.

رادی براین‌باور بود که نمایشنامه‌های شاهکار جهان به علت اجرا ماندگار نشده‌اند بلکه به‌خاطر ساختار و



در دانشگاه نشد. او در سال ۱۳۳۹ در رشته علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و چهار سال بعد نیز در فوق‌لیسانس همان رشته قبول شد اما هنگام اخذ پایان‌نامه درس را به علت فشار زندگی مشترک رها کرد.

رادی از سال ۱۳۴۰ با حکم رسمی معلم شد. علاقه بیش از حد او به تأثیر باعث شد تا مطالعات خود را در زمینه ادبیات و تأثیر ادامه دهد و دو نمایشنامه روزنه آبی (۱۳۴۱) با هزینه شخصی و افول (۱۳۴۳) با هزینه گروه طرفه به چاپ رساند.

استاد اکبر رادی در سال ۱۳۴۱ به عضویت گروه ادبی طرفه درآمد که اعضای آن را اغلب، دانشجویان تشکیل می‌دادند که سودای انقلابی ادبی را در سر داشتند.

رادی در سال ۱۳۴۴ با یکی از هم‌دانشگاهی‌های خود به نام «حمیده عنقا» ازدواج کرد و صاحب دو فرزند پسر به نام‌های آریا و آرش شد که فرزند اولش آریا و همسرش هر دو پزشک و آرش فارغ‌التحصیل رشته

پنج دی‌ماه، قرار بود روزی مثل دیگر روزهای زمستان بیاید و برود. این روزها همه عادت کرده‌اند که اگر روزی بدون حادثه یا خبر بدی گذشت آن روز را عادی یا حتی خوب بدانند.

اما پنج دی‌ماه قرار نبود که یک روز عادی باشد. ساعت تازه از هشت صبح گذشته بود که سرویس پیام کوتاه موبایل‌ها خبر فوت اکبر رادی را به سرعت در سراسر تهران و بعد ایران پخش کرد و ساعتی بعد آدم‌هایی پیچیده در پالتوها و شال‌های سیاه با چشمان قرمز جلوی بیمارستان پارس آه می‌کشیدند که باز ادبیات ایران یکی از بزرگان خود را از دست داد.

خانواده تأثیر سیاه‌پوش شد. ادبیات نمایشی ایران عزیزی را از دست داد که باید سال‌ها بگذرد تا بتوان جانشینی برای او پیدا کرد.

اکبر رادی در روز ۱۰ مهرماه سال ۱۳۱۸ در رشت پا به عرصه وجود گذاشت. او فرزند سوم از یک خانواده شش نفره بود. او چهار سال اول دوران تحصیل خود را در دبستان عنصری گذراند اما در سال ۱۳۲۹ به علت ورشکستگی پدر به اتفاق خانواده به تهران آمد.

خالق نمایشنامه «منجی در صبح نمناک» دو سال آخر ابتدایی را در دبستان صائب و دوره متوسطه را در دبیرستان فرانسوی رازی به پایان رساند.

رادی می‌گوید: (در طول تحصیل یکی، دو سال باطل هم داشتم؛ اینکه در مقاطع ابتدایی محصل درس نخوان زرنگی بودم و در حوزه کتبی امتحانات نهایی شاگرد اول شدم، سوم دبیرستان بودم، پانزده ساله که بر اثر یک بحران شدید روحی و سردی نسبت به درس و مشق و گرایش به مطالعه سه تجدید آوردم و با همان سه تجدید رد شدم...) رادی یک سال نیز در کنکور پزشکی شرکت کرد که موفق به قبولی

محتوا پیر جا هستند. رادی را با رها با چخوف مقایسه کرده‌اند و البته این تا حد زیادی قیاس درستی است، چراکه او نیز مانند چخوف تلاش داشته است تا روایت مستندگونه‌ای از شرایط پیرامونش ارائه دهد. البته فراموش نکنیم او آزادی چخوف را نداشت تا انسان‌ها را همانگونه که می‌خواهد به تصویر بکشد. از طرفی شرایط درام‌نویسی ما با زمانی که چخوف در آن می‌زیست، قابل مقایسه نیست.

اکبر رادی، نمایشنامه‌نویس تاثیرگذاری است که بی‌شک نقش او را در روند درام‌نویسی کشورمان نمی‌توان با یک یا چند مقاله، تحلیل و نقد کرد. در آثار او نمایشنامه‌هایی وجود دارد که به شکلی خودآگاهانه بیشتر ادبی هستند و نوشته شده‌اند تا خواننده شوند که این به خودی خود نه ضعف است و نه حسن.

بیشتر آثار رادی را نمایشنامه‌های بلند تشکیل می‌دهند. نمایشنامه‌هایی که محور بستر رویدادهای آن معمولاً یک خانواده است که اعضای آن هر کدام می‌توانند معرف یکی از گروه‌های فکری یا شغلی جامعه باشند.

نکته جالب که در آثار رادی تکرار می‌شود طبیعت، روحیات و جغرافیای سرزمین مادری‌اش گیلان است. بنابراین آدمی که متعلق به شمال، باران و جنگل است، همواره دارای احساساتی است که دیگران تا حدی از آن محروم هستند. در دیالوگ‌های رادی که به راحتی تمام وقایع و اوضاع سیاسی، اجتماعی زمان وقوع داستان را بازگو می‌کنند هم باران و سرسبزی و... وجود دارد و هم در جاهایی به اندازه‌ای تند و برنده می‌شوند که گاه باور اینکه آنها را شخصی چون اکبر رادی با آن فیزیک و لطافت نوشته است بعید می‌نمایاند. اما جالب است بدانیم که باران در آثار رادی صرفاً باران نیست بلکه به عنوان یک افکت ویژه و وسیله‌ای برای القای مفاهیم نمایشی محسوب می‌شود. مثلاً وقتی که در نمایش «لبخند باشکوه آقای گیل» رعد و برق می‌شود و درخت می‌شکند، در حقیقت کمر علیقلی خان گیل است که شکسته می‌شود. فراموش نکنیم که تئاتر همین تصاویر زیبا است که کنار هم چیده می‌شوند و اکبر رادی استاد خلق این تصاویر زیبا بود.

زبان در آثار رادی

نکته حائز اهمیت دیگر در آثار رادی دیالوگ است که مهمترین خصیصه نمایشنامه‌نویسی او محسوب می‌شود.

اکبر رادی را می‌شود برای زبان پالوده، زنده و نسبتاً استعاری‌اش همیشه ستود. هر چند که این زبان، گاه از واقعیت روزمره دور می‌ماند. زبان او در غالب آثارش، زبان شسته رفته طبقه متوسط و با فرهنگ تهرانی است که در عین پالودگی، پر از طنز و تصویر است.

رادی در آثارش با هوشیاری هرچه تمامتر خود را از شخصیت‌هایش جدا می‌کند تا هر کدام منطق، رفتار، زبان و اعتقادات خاص خود را داشته باشند.

این ویژگی سبب می‌شود شخصیت‌های بعضی از آثارش مثل نمایشنامه «محاق» سرشار از طبایع متضاد و متناقض باشند.

رادی نویسنده‌ای است که گهگاه و به مناسبات مختلف گفته است که تمام معنی عالم برای من همه در فرم است.

حال این را هم در نظر داشته باشیم که مهمترین دغدغه رادی برای نوشتن، پرداختن به موضوعات روز جامعه و خلق شخصیت‌هایی است که در باطن معصوم هستند اما هر کدام به نوعی استحاله پیدا کرده‌اند و به قول رادی، «عقرب دز درون» می‌کوشد تا درون خسته و خاموش انسان را با تلنگری آگاه سازد.

این نمایشنامه‌نویس که او را استاد نمایش‌های رئالیستی نیز می‌نامند در بسیاری از آثارش به فاصله طبقاتی و اثرات مخرب ناشی از آن نیز پرداخته است. به طور مشخص در نمایشنامه معروف «پلکان» که داستان مربوط به سال ۵۷ است، قهرمان‌های ستم‌دیده پلکان از قشر پایین دست جامعه هستند که برای خروج از ستم‌پذیری راهی جز طغیان و شورش ندارند.

پلکان باید یک تراژدی مدرن و امروزی در نظر گرفت، برای آنکه در این متن، زندگی غمگانه عده‌ای آدم بیچاره را می‌بینیم که در چنبره خودخواهی‌ها و خودمداری‌ها یک آدم نوکیسه و ویرانگر گرفتار شده‌اند.

آنچه در پلکان شکل می‌گیرد، موقعیتی قابل انطباق با مسائل و بحران‌های اقتصادی معاصر کشورمان است. در دهه ۳۰، ۴۰ و ۵۰ خورشیدی عده‌ای از نوکیسگان جامعه بی‌آنکه توجه‌ای به له شدن عده‌ای بیچارگان جامعه داشته باشند، برای رسیدن به رشد اقتصادی از هر حرکت ویرانگرانه‌ای چشم نمی‌پوشیدند.

رادی با نگاهی متعهد و مسئولانه در آثارش همه را نسبت به روابط اشتباه و اختلافات طبقاتی آگاه می‌سازد. او در نمایشنامه‌های پلکان و صیادان بیشتر به این مساله دامن می‌زند و دیدگاهی کاملاً سوسیالیستی با طغیان کارگران برای رسیدن به عدالت اجتماعی دارد.

آنچه رادی می‌گوید برای همه قابل پذیرش است، چون واهی و پوچ نیست. او به درک درستی از واقعیت‌های روزمره رسیده و بی‌آنکه بخواهد تحلیل خود را با آب و تاب دروغین و کاذب همراه کند، در بستری حقیقی تجربه مردم را به آنان واگویی می‌کند. او نمی‌خواهد مانع‌بست سیاسی صادر کند بلکه همه را نسبت به فراز و نشیب‌های اجتماعی آگاه می‌سازد

تا با برقراری عدالت اجتماعی، خود را از مصائب و بلایای رایج دور سازند، پلکان یکی از زیباترین آثار متعهدانه‌ای است که برای ایران و ایرانیان نوشته شده است و همین یک اثر نیز می‌تواند به محکمی دلالت بر مسئولیت اجتماعی و دلسوزی رادی داشته باشد.

بزرگترین ویژگی درونمایه‌های آثار رادی در این است که بیشتر از هر درام‌نویس دیگری در روزگار ما به سراغ قشر روشنفکر رفته است.

شباهت آثار اولیه رادی به نمایشنامه‌های چخوف البته دو دلیل عمده نیز دارد؛ نخست آنکه رادی زمانی دست به قلم برد که گیلان در بحران اقتصادی - اجتماعی بود و همه جا آثا ویرانی، افول، ورشکستگی و فترت اقتصادی - نکته‌ای که در آثار چخوف هم فراوان است - به چشم می‌خورد.

دلیل این امر آن است که مدت‌های مدید رشت و تبریز در دروازه اروپا بودند و به یمن این ارتباط زمینی، تفکر و اقتصاد این شهرها در اوج تحول و جوشش بود و هر دو کانون تفکر جدید، سیاست و اقتصاد ایران نیز به‌شمار می‌رفتند.

علت دوم آن است که شخصیت‌های روشنفکر رادی بنابه علل اقتصادی گیلان و خصوصاً بر اثر رویدادهای ناگوار و شکست‌های سیاسی در سطح ملی، همه به جای مبارزه، مباحثه می‌کنند.

یعنی هدف مبارزه تبدیل به موضوع بحث شده است و این نشانه سرخوردگی و بی‌برنامگی آشکار روشنفکران و سرخوردگی طبقه آنان است. این پدیده در آثار چخوف و رادی بازتابی مشابه و عملکرد دراماتیک یکسانی دارد و علت اینکه تئاتر رادی به نسبت آثار درام‌نویسان دیگر ایرانی تا حدودی در درام شخصیت‌ها گرفتار پرحرفی است. از همین موضوع سرچشمه می‌گیرد.

آدم‌ها به جای عمل تنها حرف می‌زنند و کلام به جای حرکت نشسته است و روشنفکر بحران‌زده و در نهایت یا مانند آن معلم جوان در «افول» در پایان به خارج می‌گریزد و یا مانند آن تحصیلکرده فرنگ رفته در لبخند باشکوه گیل دانشنامه خود را سوزانده و همچون معلمی ساده، گمنام و ناامید به روستا می‌رود تا احتمالاً انگیزه‌ای یافته، خود را از خلاء و بلاتکلیفی برهاند.

این را هم باید بگوییم که در چند نمایش رادی مثل منجی در صبح نمناک، آمیز قلم‌دون و شب روی سنگفرش خیس می‌توان سایه روشنی از خود رادی را در پس و پشت چهره قهرمانان شریف و شکست‌خورده مشاهده کرد.

اکبر رادی رفت و در کنار دیگران آرام گرفت اما یاد او، آثارش و اجرای نمایشنامه‌هایش برای همیشه رونق صحنه‌های تئاتر خواهد بود.

نمایش‌هایی برای کودکان و نوجوانان در جشنواره

جشنواره امسال فقط مخاطبان بزرگسال را در نظر نگرفته و در راستای توجه به قشر عظیم مخاطبان کودک و نوجوان تئاتر، با همکاری معاونت امور هنری سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران ۱۰ نمایش زیر به‌عنوان نمایش‌های ویژه کودکان و نوجوانان در بخش اقماری بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اجرا می‌شود.

«تیر و طفل و تشنگی» به کارگردانی افشین ناظری، «کمپانی عروسی» به کارگردانی حامد زحمتکش، «غذای نذری» به کارگردانی امیر مشهدی عباس، «بازی پسر و گرگ» به کارگردانی جواد ذوالفقاری، «ملک جمشید» به کارگردانی امیر مشهدی عباس، «رویای ماه» به کارگردانی مریم کاظمی، «گرگ، گرگ است» به کارگردانی جلال منتظری و صادق میرزایی، «خوب و عزیزی ایران زیبا» به کارگردانی حسن داشکر، «حضرت سلیمان» به کارگردانی فریاا رئیس و «ماهی» به کارگردانی محسن ایمانخانی.

این نمایش‌ها از تاریخ ۱۷ تا ۲۵ بهمن‌ماه هر روز ۱۰ صبح ویژه مهدکودک‌ها و دبستان‌های شهر تهران در فرهنگسراهای ابن سینا، بانو، بهمن، خاوران، دانشجو، دختران، سلامت، طبیعت، هنر و نور اجرا می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و انجام هماهنگی‌های لازم برای حضور در برنامه‌های این بخش از جشنواره با شماره‌های ۲۲۶۳۳۸۰ و ۲۲۶۳۳۸۱، مدیریت هنرهای نمایشی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران تماس بگیرند.

نمایش‌های خیابانی داوری می‌شوند

در حالیکه نصف نمایشگران خیابانی تصمیم گرفتند آثار بخش تئاتر خیابانی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را ارزیابی صنفی کنند، شهرام کرمی، مسوول کمیته انتخاب آثار بخش تئاتر خیابانی جشنواره تئاتر فجر در این باره گفت: سیاست جشنواره با تأکید بر نگاه حرفه‌ای این بود که این بخش به‌صورت غیررقابتی برگزار شود، ولی با پیشنهاد



کانون تئاتر خیابانی خانه تئاتر قرار شد این بخش توسط اعضای منتخب این کانون مورد داوری صنفی قرار گیرد.

مدیر دفتر تئاتر خیابانی مرکز هنرهای نمایشی در ادامه افزود: بر همین اساس تمامی نمایش‌های این بخش توسط یک کمیته داوری متشکل از شهرام کرمی، عقیل تقی‌زاده و مرتضی وکیلان در بخش‌های مختلف بازیگری، کارگردانی و طرح داوری خواهند شد.

وی در پایان گفت: اسامی برگزیدگان در جشن سالانه خانه تئاتر اعلام می‌شود و ۲۰ نمایش برتر با حمایت دفتر تئاتر خیابانی مرکز هنرهای نمایشی در طول سال اجرا می‌شوند.

نشست مشترک سازمان عقیدتی - سیاسی

ارتش با هنرمندان

سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران که در سال جاری دو نشست مجزا با هنرمندان سینما و موسیقی داشته است، بیست‌ویکم بهمن‌ماه هم‌زمان با برگزاری بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، نشست ویژه‌ای با هنرمندان تئاتر برگزار می‌کند.

این نشست‌ها در راستای بهره‌گیری از نظریات و پیشنهادات سازنده هنرمندان عرصه‌های مختلف برگزار شده و یکی از اهداف آن تقویت هنر تئاتر در سطح ارتش و تقدیر از فعالان تئاتر در موضوعات مرتبط با ارتش است.

انتشار سه نمایشنامه

مجموعه نمایشنامه‌های برگزیده بخش تولید متون و نمایشنامه‌خوانی جشنواره امسال توسط انتشارات نمایش انتشار یافت.

سه نمایشنامه «تراژدی رودکی» نوشته محمد ابراهیمیان، «ستاره‌های دارجینی» نوشته رضا شیرمرز و «بازی‌سازان اندرونی» نوشته عارفه عنایتی با همکاری دبیرخانه جشنواره به‌عنوان

کارهای برگزیده بخش تولید متون بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از سوی انتشارات نمایش منتشر شد.

در بخشی از مقدمه این کتاب به قلم دکتر مجید سرسنگی، دبیر بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر آمده است: «تئاتر برای همه شاید جزو معدود شعارهای تئاتری باشد که با جوهر این هنر فاخر تناسبی چشمگیر دارد. این شعار زمانی محقق می‌شود که همگان در فرآیند تولید و توسعه این هنر دخیل بوده و آنچه بر صحنه‌ها در معرض استفاده مخاطبان قرار می‌گیرد، برآیند تلاش همه اقشار باشد، از هنرمندان گرفته تا تماشاگران و از مدیران تا سیاستگذاران تا مدرسان و معلمان این هنر... باید اذعان کرد که کشور ما از نظر پیشینه فرهنگی و ادبی و وجود استعدادها درخشان در زمینه نمایش و همچنین نیاز اجتماعی در موقعیت ممتازی قرار دارد. در بخش تولید متون و نمایشنامه‌خوانی که با هدف حمایت از تولید نمایش‌های فاخر ایرانی و جبران بخشی از کمبودهای تئاتر کشور در زمینه نمایشنامه‌های شایسته اجرا برگزار می‌شود، از میان آثار رسیده، ۹ نمایش توسط محمد یعقوبی، حسین فرخی، عبدالحی شماسی و حسین مسافر آستانه انتخاب شده است که در ایام جشنواره در کافه‌تربای سالن اصلی تئاتر شهر به‌صورت نمایشنامه‌خوانی اجرا خواهند شد.

معرفی داوران بخش‌های مختلف جشنواره

رحمت امینی، دکتر محمدرضا خاکی و دکتر محمدباقر قهرمانی به‌عنوان داوران بخش تجربه‌های دانشجویی معرفی شدند.

همچنین جهان‌شاه آل‌محمود، شمسی فضل‌اللهی و مهتاج نجومی، داوری بخش نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی و تصاویر نمایش‌های صحنه‌ای بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را به عهده دارند. و همین‌طور محسن شرافتی حسین علی کرمی و مرضیه طلایی داوران بخش تئاتر دانش‌آموزی بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر هستند.

هنرمندان عرصه تجسمی در کنار تئاتری‌ها

ما به شما جدی پیشنهاد می‌کنیم اگر تا امروز به تماشای نمایشگاه ۲۵ سال پوستر تئاتر ایران نرفته‌اید، زودتر اقدام کنید. چون بیست‌وششمین جشنواره تئاتر فجر با یک اتفاق ویژه همراه است و آن برگزاری این نمایشگاه است.

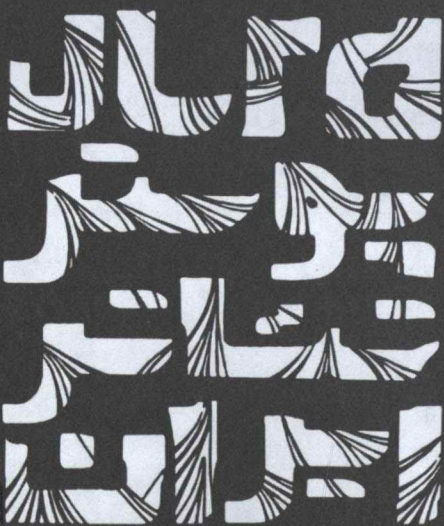
هر چند این اقدام به منظور ایجاد عرصه رقابت، فراهم کردن امکان مقایسه نقد و تحلیل پوسترهای تئاتر و همچنین معرفی، تقویت و تشویق هنرمندان این عرصه انجام شده است اما باعث می‌شود هنرمندان تجسمی نیز در این روزها متوجه این رویداد بزرگی تئاتری باشند.

این نمایشگاه که شامل پوستر اجراهای تئاتر در ۲۵ سال گذشته می‌شود و بازدید از آن مروری بر اجراهای مختلف جشنواره‌ای، عمومی، پایان‌نامه‌ها و... است، با همکاری موسسه فرهنگی - هنری صبا برگزار شده و ۱۹۴ پوستر در دو بخش مسابقه و مرور نمایش داده شده‌اند.

در میان آثار ارائه شده طرح‌هایی از آیدین آغداشلو، مرتضی ممیز، امیر اثباتی، محمدرضا شریفی‌نیا، حسین خسروجردی، ابراهیم حقیقی، سیامک احصایی و... به چشم می‌خورد.

همچنین قرار است با همکاری مرکز توسعه هنرهای تجسمی کتاب «۲۵ سال پوستر تئاتر ایران» توسط دبیرخانه جشنواره تئاتر فجر منتشر شود. علاقه‌مندان برای بازدید از نمایشگاه می‌توانند به موسسه فرهنگی - هنری صبا در خیابان برادران مظفر جنوبی مراجعه کنند

بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برگزار می‌کند
26th Fajr International Theatre Festival Presents
25 years of Iranian theatre Posters



معرفی نمایش های بخش «چشم انداز» سال ۸۷ جشنواره دریچه ای به نمایش های سال آینده

● فروغ سجادی-پیمان شیخی

امسال در حالی بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر برگزار می شود که بخش چشم انداز ۸۷ به عنوان یک بخش جدید و جذاب پس از چند سال غیبت به بدنه جشنواره تئاتر فجر پیوسته است.

این بخش به دلیل نگاه تازه خود به آثار تولیدی که در سال ۸۷ اجرا خواهند شد و سرنوشت ساز بودن این بخش برای گروه های خواهان اجرای عمومی در سال آینده یکی از جنجالی ترین بخش های جشنواره بیست و ششم محسوب می شود.

به گفته «دکتر مجید سرسنگی» دبیر جشنواره تئاتر فجر امسال، توجه به کیفیت برای جذب مخاطب با نگاهی به شعار «تئاتر برای همه» نخستین ملاک شکل گیری این بخش و تولید آثار آن بوده است.

حضور هشت نمایش از هشت کارگردان حرفه ای تئاتر بیانگر نگاه کیفی گرا، بدون در نظر گرفتن کمیت است. البته دو نمایش دیگر نیز از طرف هیأت انتخاب این بخش برای اجرای عمومی در سال ۸۷ معرفی شدند اما تعداد اجراهای بخش چشم انداز بیست و ششمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در نهایت هشت نمایش است.

به گفته «امیرحسین حریری» مسئول دبیرخانه جشنواره، مهرداد رایانی مخصوص، مسعود رایگان، متیژه محامدی، ناصر آقایی و داوود رشیدی نمایش های متقاضی حضور در این بخش را بازبینی کردند و سرانجام نمایش های «تهرن» به نویسندگی و کارگردانی محمود استاد محمد، «خنجره ها» به نویسندگی مهدی پور رضاییان و کارگردانی امیر آتسانی، «کلبه عموتم» به کارگردانی بهروز غریب پور «کابوس های ریتمیک» به نویسندگی فریا آقاپور و کارگردانی سعید تهران، «غولتشن ها» اثر لوگولدونی به کارگردانی حمید پورآذری، «کادنس» به نویسندگی طلا معتضدی و کارگردانی نیما دهقان، «مدار» به نویسندگی و کارگردانی وحیده قوهستانی و «شب روی سنگفرش خیس» به نویسندگی اکبررادی و کارگردانی هومن میرمعنوی به بخش چشم انداز جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کردند و دو نمایش دیگر شایسته حمایت مالی در اجرا تشخیص داده شدند.

حضور کارگردانان حرفه ای تئاتر مانند محمود استاد محمد، بهروز غریب پور، حمید پورآذری و نیما دهقان در کنار کارگردانی که شاید برای اولین است حضور در جشنواره فجر را تجربه می کنند، یکی از ویژگی های این بخش و بیانگر فراهم بودن شرایط برای معرفی گروه های جوان و خلاق در کنار گروه های سرشناس است.

آثار بخش چشم انداز با هدف تولید و ارائه در سال ۸۷ به صورت غیر رقابتی در جشنواره به صحنه می روند.

■ حسن باستانی نویسنده و کارگردان:

بخش چشم انداز، فرصتی برای گروه‌های نمایشی است



«بخش چشم انداز بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر ایجاد فرصتی برای گروه‌های نمایشی است که امیدوار باشند در سال آینده اثر نمایشی خود را اجرا خواهند کرد.»

حسن باستانی، نویسنده و کارگردان تئاتر، با اعلام این مطلب به بولتن جشنواره گفت: بخش چشم انداز جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر برای نخستین بار است که تجربه می‌شود. بنابراین شرکت‌کنندگان در این بخش به امید تضمین اجرای اثرشان در سال آینده در این بخش حضور پیدا می‌کنند؛ اما باید به مساله محدودیت

سالن‌های اجرای نمایشی توجه ویژه داشت چرا که این کمبود موجب محدودیت در پذیرش نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش چشم انداز می‌شود و تعداد کمی از نمایش‌های متقاضی حضور در این بخش موفق به اجرای اثرشان می‌شوند.

وی در ادامه افزود: به اعتقاد من وجود چنین بخش‌هایی به وجود بیاید مطلوب است چرا که این امکان فراهم می‌شود که گروه‌های نمایشی فعالیت بیشتری داشته باشند؛ ولی باید به گونه‌ای عمل کرد که نتیجه کار بهتر و خوب باشد.

باستانی در پایان گفت: باید به این مساله توجه کرد که بخش‌های مختلفی که در جشنواره تئاتر فجر امسال به وجود آمده تا چه اندازه برای تئاتر کشورمان مفید است بنابراین بخش چشم انداز نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید پیرامون آن بیشتر اندیشیده شود.

■ سیمین امیریان نویسنده و کارگردان:

بخش چشم انداز، گامی روبه جهانی شدن



«وجود بخش‌های متنوعی همچون چشم انداز در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بسیار مطلوب است، حتی لازم است که بخش‌های دیگری نیز به این جشنواره اضافه شود.»

سیمین امیریان نویسنده و کارگردان تئاتر با اعلام این پیشنهاد، اضافه کرد: «جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر جشنواره بزرگی است و هر روز بیش از پیش به

جشنواره‌هایی با استانداردهای جهانی نزدیک‌تر می‌شود که جای خوشحالی دارد، بنابراین وجود بخش‌های متنوع و جدید در این جشنواره لازم است.»

وی در ادامه افزود: «صرفاً اجرای یک نمایش طی چند نوبت در جشنواره تئاتر فجر چندان مطلوب نیست، با این وصف امکان اجرای عمومی که برای نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش چشم انداز فراهم شده، بسیار پسندیده است.»

امیریان در پایان خاطرنشان کرد: «جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در ابعاد جهانی شناخته شده است و اهالی تئاتر سایر کشورها که به عنوان مهمان در این جشنواره حضور پیدا می‌کنند با اشتیاق به تماشای کارهای ایرانی می‌نشینند. بنابراین بهتر است نمایش‌هایی که طی سال اجرای موفقی داشته‌اند در این جشنواره امکان اجرا داشته باشند، این بخش می‌تواند راهی برای ورود این گروه‌ها به عرصه جهانی باشد.»

■ چیستا یثربی نویسنده و کارگردان:

از حالا به فکر «چشم انداز» سال آتی باشیم



«بخش چشم انداز بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مایه افتخار است و حرکتی زیبا محسوب می‌شود، با این حال به نظرم نباید محدودیتی در تعداد نمایش‌های شرکت‌کننده در این بخش وجود داشته باشد.»

چیستا یثربی نویسنده و کارگردان تئاتر با اشاره به این نکته گفت: «درباره بخش چشم انداز بیست و ششمین دوره جشنواره تئاتر فجر در حال حاضر نمی‌توان قضاوت کرد، باید پس از پایان دوره بیست و ششم به بررسی دقیق و قضاوت درباره این بخش پرداخت. با این حال بهتر بود که تعداد نمایش‌های شرکت‌کننده در بخش

چشم انداز جشنواره تئاتر فجر بیش از این باشد.»

وی در ادامه افزود: «من سیاست‌گذار فرهنگی نیستم. ولی فکر می‌کنم باید در وهله نخست همه چیز به شکل مدون و به طور شفاف توضیح داده شود تا شبهه‌ای باقی نماند، از حالا هم به فکر چشم انداز سال آتی باشیم.»

یثربی با اشاره به بستریایی که جشنواره تئاتر فجر می‌تواند در اختیار اهالی تئاتر بگذارد، گفت: «باید در نظر داشت که جشنواره مکانی برای تلاش‌های خلاقانه است و باید به آثاری که از خلاقیت بیشتری برخوردارند توجه بیشتری شود و بستری لازم برای حضور این آثار در جشنواره فراهم شود.»

یثربی در پایان در خصوص پذیرش متون در بخش چشم انداز بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر افزود: «به نظرم باید در مرحله پذیرش متون بخش چشم انداز جشنواره تئاتر فجر کارشناسی‌های بیشتری صورت گیرد و دست‌اندرکاران با گزارش‌هایی که از روند انتخاب ارائه می‌دهند این اطمینان را بیش از پیش ایجاد کنند که متن‌های پذیرفته شده در این بخش از قابلیت و کیفیت لازم برخوردارند.»

■ اعظم بروجردی نویسنده و کارگردان:

وجود بخش‌های متنوع مثل «چشم انداز» در جشنواره تئاتر فجر، مطلوب است



«حضور بخش‌هایی همچون بخش چشم انداز در بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حرکت بسیار مثبتی است، این بخش با مدیریت فرهنگی دقیق می‌تواند بسیار کارآمد باشد.»

اعظم بروجردی نویسنده و کارگردان با سابقه تئاتر با اشاره به مطلب بالا گفت: «چنانچه بخش‌های مختلف جشنواره تئاتر فجر درست اداره شوند می‌توان نتیجه مطلوبی از آن کسب کرد، این مساله برای تئاتر ما نکته‌ای حیاتی است و جای قدردانی دارد.»

وی در ادامه افزود: «امیدوارم در کنار این گام‌ها نسبت به سالن‌های نمایش نیز توجه بیشتری صورت گیرد، به این ترتیب تنوع چشمگیری که در جشنواره بیست و ششم وجود دارد می‌تواند در تمام سال مثمرتر باشد.»

کادنس، مردگان سرگردان

«کادنس» نمایشی درباره جهان پس از مرگ است که این بار به شکلی نو و تازه توسط نیما دهقان کارگردان جوان و خلاق تئاتر کشورمان در صحنه تئاتر نمایش داده می‌شود.

دهقان در طول سال‌های گذشته در هر کدام از نمایش‌های خود با ارائه فضا و ساختاری جدید، علاقه خود به نوآوری و شکستن قالب‌های قدیمی را نشان داده است.

او در این نمایش که طرحش را خود به طلا معتضدی برای نوشتن ارائه کرده است، سه مرده با سه مذهب و اعتقادات مختلف را در دنیای پس از مرگ مقابل هم قرار می‌دهد. این سه نفر که به نوعی در کشتن و مرگ یکدیگر نقش داشته‌اند هر کدام از یک فرقه هستند، یک وهابی، یک لائیک و یک بودایی با تفکرات تناسخی که در مواجهه با هم، پرده از مسائل زمانی که یکدیگر را به قتل رسانده‌اند برمی‌دارند. فرزین صابونی، سینار ازانی و علیرضا محمدی بازیگران نمایش قبلی دهقان «دو متر در دو متر جنگ» بار دیگر در این نمایش دهقان را یاری می‌دهند و لیلی رشیدی در نقش فرشته‌ای که هر روز با آمدن به میان این سه مرده صحنه‌های جنایات آنها را یادآوری می‌کند بازی می‌کند.

به گفته نیما دهقان «کادنس» اصطلاحی از موسیقی است و به قسمتی از موسیقی گفته می‌شود که در هنگام پایان آن دوباره آغاز می‌شود. نام نخست این نمایش «مردگان» بود اما در طول تمرین به «کادنس» تغییر کرد.

دهقان معتقد است نام «مردگان» برای نمایشی که در فضای دنیای پس از مرگ می‌گذرد و درباره مرده‌هاست مناسب نیست و «کادنس» به لحاظ مفهومی به نمایش آنها نزدیک‌تر است.

به گفته این کارگردان، ایده اول نمایش از سه آیه نخست سوره واقعه که از وجود روز قیامت خبر می‌دهد، آمده است.

حضور طلا معتضدی به عنوان نویسنده جوان و خلاق در کنار نیما دهقان و بازیگران جوان ترکیب قابل توجهی برای این نمایش فراهم کرده است، هرچند که نیما دهقان معتقد است فضای این نمایش کاملاً جدی و با آثار قبلی او متفاوت است و تنها در داشتن فضایی انتزاعی کمی با آثار قبلی‌اش مشابهت دارد.

علاوه بر متن و اجرای بدیع «کادنس»، طراحی صحنه آن نیز کاملاً جدید است. طراحی صحنه این نمایش توسط منوچهر شجاع انجام شده و طراح با چیدن ۴۰ مکعب نورانی طراحی صحنه نمایش، از دکور خود برای نورپردازی نیز بهره گرفته است و در واقع این نمایش دیگر نیازی به نورپردازی ندارد.

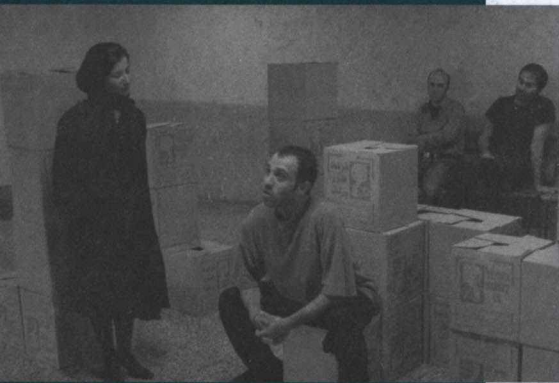
این نمایش در روزهای پنجم و ششم جشنواره، ۲۱ و ۲۲ بهمن‌ماه، در دو نوبت ۱۵ و ۱۸:۳۰ در کارگاه نمایش اجرا می‌شود.

کلبه عموتم، نمایشی با ۵۲ بازیگر

بهر روز غریب‌پور، این نمایش را براساس داستان معروف، کلبه عموتم «هرمیت بیچراستو» نوشته و به صحنه می‌آورد. این داستان برای نخستین بار در سال ۱۳۳۵ توسط منیر مهران به زبان فارسی ترجمه شده و پس از آن نیز بارها به زبان فارسی ترجمه شده است. این بار بهروز غریب‌پور آن را در قالب تئاتر در فرهنگسرای بهمن اجرا می‌کند. داستان «کلبه عموتم» درباره ژرژ، برده دورگه‌ای است که به‌خاطر دستگاهی که اختراع کرده، توسط ارباب خود تنبیه می‌شود و تصمیم به فرار می‌گیرد، در این میان ارباب شلی، نخستین ارباب عموتم به دلیل بدهکاری به شخصی به نام هالی، مجبور می‌شود برای پرداخت قرض عموتم وارد عمل شود...

در این نمایش نعمت‌الله اسداللهی، شهین علیزاده، نسیم ادبی، محمد ساربان، منوچهر علی‌پور، سیامک حلمی، سیاوش چراغی‌پور، صنم نکواقبال، محمدعلی نوربخش، جواد زیتونی، مینو زاهدی، نادیا فرجی به همراه ۳۹ بازیگر دیگر که در مجموع آنها ۵۲ بازیگر را تشکیل می‌دهند، ایفای نقش می‌کنند. طراحی صحنه و لباس و نور «کلبه عموتم» را خود بهروز غریب‌پور انجام داده است، دستیار اول کارگردان غزل اسکندر نژاد، دستیار دوم کارگردان ته‌مینه میلانی، دستیار طراح صحنه هنگامه سازش، دستیار طراح لباس مونا کیانی‌فر طراح گریم همایون صلاحی و اجرای آن را همایون صلاحی و ارتمیز نیازی امیر مسعود اصلاح، آئیژ ابوتراب‌نیا انجام داده‌اند. طراحی پوستر و بروشور را آیدین غریب‌پور انجام داده و ابراهیم اثباتی آهنگساز این نمایش است، تدوین تصاویر را نیز علی بهزاد و امیر بهزاد و هنگامه سازش انجام داده‌اند.

گفتگو با بهروز غریب‌پور را می‌توانید در ویژه‌نامه‌های آتی بخوانید.



غولتشن‌ها، این چهار نفر...

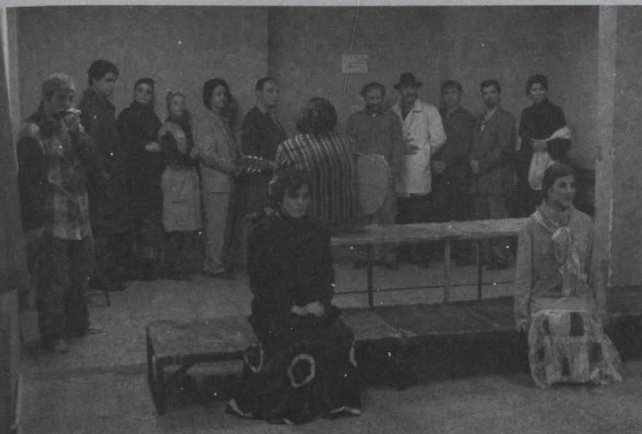
«غولتشن‌ها» یکی از نمایش‌های بخش چشم‌انداز جشنواره امسال است که مرد سالاری چهار غولتشن را به چالش می‌کشاند. این نمایش اثر «کارل گلدونی» است و حمیدپور آذری کارگردان جوان و خلاق آن را در قالبی کارتونی (انیمیشن) به صحنه می‌آورد. به گفته او متن گلدونی از صافی گروه گذشته و پس از اضافه شدن خلاقیت گروه در شکل تازه‌ای اجرا می‌شود.

این نمایش درباره مردانی است که بدون در نظر گرفتن نظر دختران و پسران خود با هم قرار ازدواج آنها را می‌گذارند و با خانواده خود با زورگویی رفتار می‌کنند.

علی سرابی، هدایت هاشمی، جواد پورزند، محمد طیب‌طاهر سامان دارابی، علی بخشی‌فرد، علی مکی و علی هاشمی بازیگران مرد «غولتشن‌ها» هستند و معصومه قاسمی‌پور، رزیتا فضایی مینا خسروانی، بتول علیزاده و افسانه بخشی‌فرد بازیگران زن این اجرا هستند.

طراحی صحنه و لباس این نمایش را خود حمید پورآذری انجام می‌دهد و سوسن نوروزی به‌عنوان مشاور صحنه و علیرضا بیرقی مشاور او در بخش لباس هستند. مهیار جوادی‌نیا، امیر نادری، مهدی پورآذری و نعیم بذریاش دستیاران کارگردان هستند و آرش عزیزی، سام ضیایی و آیدین شفایی گروه موسیقی «غولتشن‌ها» را تشکیل می‌دهند. سالن اجرای این نمایش سایه است و به گفته کارگردان نمایش او قابل اجرا در سالن قشقایی و چهارسو نیز است.

این نمایش در روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن (چهارم و پنجم) در دو نوبت ۱۶:۳۰ و ۲۰ به صحنه می‌رود.



حمید پورآذری:

جشنواره حرفه‌ای، شرایط حرفه‌ای می‌خواهد

می‌خواهد و شرایط حرفه‌ای یعنی وجود سالن و امکانات به اندازه کافی. طوری که همه بتوانند کار کنند و با مشکلات فراوانی روبه‌رو نشوند و نیمه آماتورها و حرفه‌ای‌ها همه بتوانند فعالیت کنند. در واقع شرایط کار برای همه کسانی که مدعی هستند، فراهم باشد. با این شرایط، جشنواره و تئاترمان بهتر خواهد شد. چرا که این دو به یکدیگر وابسته هستند. در واقع جشنواره باید بازتاب تئاتر در سال گذشته باشد. وقتی شرایط مهیا باشد وضعیت کیفی تئاتر هم بهتر می‌شود و در نتیجه جشنواره پرباری خواهیم داشت.

«از «غولتشن‌ها» بگویید، چقدر راضی هستید و برای اجرا دارید.

حدود ۷۰ درصد کار آماده است؛ اما هنوز به شکل دلخواه من در نیامده و فکر می‌کنم جای کار بیشتری دارد. این نمایش کار سختی بود و به نوعی در میان کارهایی که به صحنه برده‌ام یکی از سخت‌ترین نمایش‌هایی است که کارگردانی کرده‌ام. از طرف دیگر سبک کار گلدونی شرایط ویژه‌ای دارد. کارهای او بیشتر دیدنی هستند تا شنیدنی.

«غولتشن‌ها» موضوع تازه‌ای هم دارد.

بله، نمایش سعی دارد مرد سالاری و اساساً زندگی در خانه‌هایی که هیچ مردی حق ورود به حریم خانه خانواده آنان ندارد را به چالش بکشد. نمایش داستان چهار «غولتشن» است که همه آنها خانواده خود را زیر سلطه زورگویی دارند و در این میان تنها یک غولتشن است که در مقابل همسرش ضعیف ظاهر می‌شود.

«وضعیت کمک هزینه در جشنواره امسال چگونه بود؟

خوشبختانه به موقع پرداخت شد که اگر این شکل کار جا بیفتد و سرآغازی برای ادامه این حرکت حرفه‌ای در طول سال شود، اتفاق خیلی خوبی است. از طرف دیگر اینکه امسال با گروه‌ها از همان ابتدا قرار داد بستند.

«سالن اجرا به انتخاب خودتان بود؟

خیر. خود دبیرخانه سالن‌ها را پیشنهاد داد. البته برای من فرقی هم نمی‌کرد. شرایط اجرا در تالار قشقایی، چهارسو و سایه فراهم بود و همه آنها برای اجرای من مناسب بودند.

«امسال شرایط بازبینی و ارزیابی نظارتی چگونه بود؟

در مورد نمایش من که چندان مشکلی پیش نیامد، وقتی نمایش را دیدند، مشکل خاصی وجود نداشت و تنها چند پیشنهاد جزئی دادند.

«نظرتان درباره بخش چشم‌انداز ۸۷ که امسال برای اولین بار به جشنواره تئاتر فجر اضافه شده بگویید؟

بخش چشم‌انداز بخش جدیدی نیست، قبلاً هم اجراهای جشنواره به عنوان اجراهای عمومی سال بعد معرفی می‌شد اما امسال اتفاقی که افتاده، تفکیک بخش‌های مختلف و متنوع جشنواره است.

«به نظرتان این تفکیک چقدر به حرفه‌ای شدن ساختار کمی جشنواره کمک کرده است؟

جشنواره حرفه‌ای امکانات و شرایط حرفه‌ای



«غولتشن‌ها» براساس نمایش‌نامه‌ای از «کارلو گولدونی» به کارگردانی حمید پورآذری در بخش چشم‌انداز تئاتر فجر به صحنه می‌رود. این نمایش با گذشتن از صافی گروه پورآذری به شکل تازه‌ای از اجرا رسیده است. «حمید آذری» از جشنواره و اجرای «غولتشن‌ها» می‌گوید.

«ارزیابی شما از بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر چیست؟

ما از سه هفته قبل از اجرا می‌دانستیم که در کدام سالن اجرا خواهیم داشت و این اتفاق خوبی است. در واقع امسال سعی کرده‌اند با برنامه کارهای خود را جلو ببرند؛ اگرچه به هر حال کاستی‌هایی نیز دیده می‌شود. البته این شرایط می‌تواند محلی برای کسب تجربه این نیروها برای بهتر شدن در سال‌های آینده باشد. به خصوص آنکه هرچقدر سالن‌ها مجهزتر و امکانات بیشتر باشد، شرایط برای رقابت بهتر فراهم می‌شود.



خنجره‌ها، دوراهی و تردید

امیر آتسانی کارگردانی است که به گفته خودش هشت سال از صحنه تئاتر دور مانده است. زیرا در این هشت سال به او امکان اجرا داده نشده و همه آثاری که در این مدت برای اجرا ارائه کرده، با جواب مردود مواجه شده. او امسال با نمایش «خنجره‌ها» که سبک و فضای نمایش‌های ایرانی را دارد، در جشنواره بیست‌وششم شرکت کرده است.

او معتقد است بیشترین انگیزه حضورش در این جشنواره دبیری مجید سرسنگی بوده زیرا در جشنواره چهارم تئاتر رضوی با او کار کرده و از این همکاری راضی بوده است. او که خود در این نمایش نقش تنها پرسوناژ را نیز ایفا می‌کند، اجرای «خنجره‌ها» را بازگشتی به صحنه برای خود می‌داند.

«خنجره‌ها» حکایت مش کاظم تعزیه‌خوان است که در وضعیت بد اقتصادی قرار می‌گیرد و تصمیم می‌گیرد از شبیه‌خوانی در نقش امام به نقش شمر بازگردد که در این مسیر با حوادثی تلخ مواجه می‌شود و سرانجام همه چیز به مرگ مش کاظم منجر می‌شود.

متن این نمایش توسط مهدی‌پور رضاییان نوشته شده و شیوه اجرایی آن بیشتر بر مبنای تعزیه است.

عبدالله آتسانی آهنگساز این نمایش است و ربابه امینی به عنوان طراح صحنه و لباس با گروه او همکاری می‌کند. دستیار کارگردان مهسا هراتی و طراح پوستر و بروشور امیر اسمی است. این نمایش در روزهای پایانی جشنواره (۲۴ و ۲۵ بهمن‌ماه) در دو نوبت ۱۵ و ۱۸:۳۰ در کارگاه نمایش اجرا می‌شود.

امیر آتسانی:

دغدغه ام اجرا به سبک ایرانی است

با امیر آتسانی گفت و گوی کوتاهی انجام داده‌ایم که در زیر می‌خوانید:

*** چطور شد پس از چند سال دوری از تئاتر در بخش چشم‌انداز جشنواره شرکت کردید؟**

چون بخش چشم‌انداز تولید آثار برای سال ۸۷ بود و آثار شرکت‌کننده در این بخش امکان اجرای عمومی داشتند، عزم خود را جزم کردم تا با شرکت در این بخش شرایط اجرای عمومی کارم را در تئاتر شهر فراهم کنم.

*** از خنجره‌ها بگویید. شیوه اجرایی آن ظاهراً براساس نمایش‌های ایرانی است؟**

بعد از هشت سال دوری از صحنه تئاتر، چون دغدغه خودم هم اجرای نمایش براساس سبک ایرانی به ویژه تعزیه است همچنین با توجه به تجربیات دوران دانشجویی‌ام پس از خواندن متن «خنجره‌ها» این متن به دلم نشست و تصمیم گرفتم آن را برای اجرا در بخش چشم‌انداز ۸۷ تئاتر فجر ارائه دهم در واقع بخش چشم‌انداز جایی بود که امیر آتسانی توانست خود را به منصفه ظهور برساند و بگوید من هنوز هستم.

*** جشنواره امسال را چطور می‌بینید، از نظر اجرایی و حمایت از گروه‌ها با مشکلی مواجه نبودید؟**

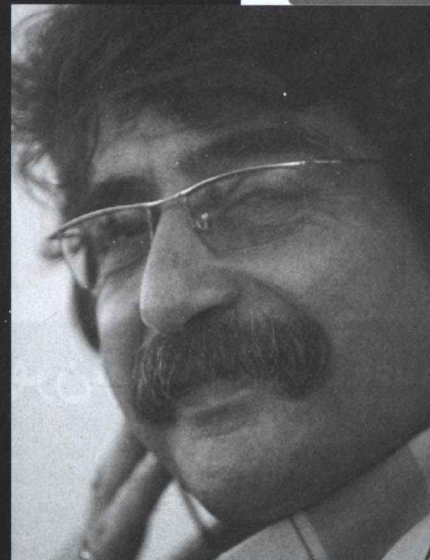
از نظر اطلاع‌رسانی به گروه‌ها، اختصاص سالن، تعیین سالن تمرین و مسائلی از این گونه همه چیز بسیار خوب بود. بخش قراردادهایمان مانند فراخوان جشنواره انجام شد.

تهرن، روایتی از مشروطه

محمود استادمحمد کارگردان قدیمی و صاحب سبک تئاتر ایران امسال پس از ۶ سال دوری از عرصه کارگردانی در این جشنواره حضور پیدا کرده است. او در سال ۸۰ که نمایش «دیوان تئاترال» را به صحنه برد تاکنون هیچ‌گاه شرایط حضور آثارش بر صحنه تئاتر فراهم نشده بود، هم‌اکنون با نمایش «تهرن» که یک نمایش درباره دوره مشروطه و تقابل خرافه‌پرستی با این جریان روشنفکری است به جشنواره فجر می‌آید. او همچنین از آیین مراسم زار در اجرای خود بهره گرفته و «تهرن» را به عنوان قسمتی از این آیین در قالبی دراماتیک ارائه کرده است. اصغر همت، خسرو احمدی، هدا ناصح، نگار جواهریان، شهروز دلفگار، رضا علوی، ندا حاجی‌بابایی، فهیمه موسوی، سیامک احمدی، عرفان ملکوتی، مریم بخشی، رویا شجاعی، سهراب اصفهانی، پرویز حاجی‌مشهدی و علی فرحزاد بازیگران این نمایش هستند.

مجید میرفخرایی طراحی صحنه و لباس این نمایش را به عهده دارد و حسام حیدری طراح گریم این اجرا است. ساخت موسیقی این نمایش نیز با فرشید اعرابی و طراحی پوستر و بروشور با حسین خسروجردی است. در این نمایش علی اصغر دشتی و مهسا دهقانی‌پور به عنوان دستیار کارگردان با محمود استاد محمد همکاری می‌کنند، رویا ابراهیمی به عنوان دستیار طراح لباس و وحید لاری به عنوان دستیار طراح صحنه در کنار گروه هستند. مدیر صحنه این نمایش بهرنگ علوی، همکار صحنه، شادی شادمان و مسئول روابط عمومی پیمان شیخی است.

«تهرن» در روزهای سوم و چهارم جشنواره، ۱۹ و ۲۰ بهمن‌ماه در تالار مولوی در دو نوبت ۱۶ و ۱۹ به صحنه می‌رود و پس از جشنواره تئاتر فجر از ۲۸ بهمن‌ماه نیز اجرای عمومی خود را در تالار قشقایی تئاتر شهر دنبال می‌کند.



محمود استاد محمد کارگردان «تهرن»:

حرف نمایش واشکافی شکست مشروطه است

آن بازیگرانی که ایده‌آلم بود را پیدا کنم، خوشبختانه نمایشنامه در تمرین شکل نهایی خود را پیدا کرد و این مدیون سالن تمرینی است که طی ۵ ماه فرهنگسرای هنر در اختیارم گذاشت و همین‌طور از همکاری ۳۰ نفره گروه به ویژه بازیگرانی که برای اجرای این نمایش خیلی زحمت کشیدند و برای آن وقت گذاشتند و تا مرحله اجرا پای آن ایستادند متشکرم.

*** خانم پردیس افکاری ظاهراً در آخرین مراحل تمرین از گروه شما کنار رفتند و خانم هدا ناصح جایگزین ایشان شدند، علت رفتن ایشان چه بود؟**

در تمرین حالت‌های مختلف پیش می‌آید، تئاتر در هر صورت از نظر مالی نمی‌تواند بازیگر را تامین کند و بازیگری که از نظر مالی در تنگنا قرار گرفته باشد طبعاً نمی‌تواند ادامه دهد.

*** ایشان در اوایل تمرین از حضور در این نمایش و همکاری با شما راضی بود و رفتن ناگهانی این بازیگر از این نمایش کمی تعجب‌آور بود؟**

تعجب ندارد، اشتیاق و هیجان زده شدن در یک کار بخشی از قضیه است و استقامت داشتن در یک کار بخش دیگری از آن، الان متأسفانه (یک ماه تمرین، یک ماه اجرا که به نظر من از بلایای تئاتر ایران است)، مبنای شده، من حتی خودم دیدم نمایشی که بعد از یک هفته تمرین، اجرا رفت. اما آنچه من در تئاتر یاد گرفته‌ام، این است که برای تمرین نمی‌توان زمان معین کرد. مثلاً ما نمایشی با ایرج انور را دو سال و نیم به طور دائم تمرین کردیم اما نمایشی ممکن است دو هفته‌ای آماده شود، در واقع برای تمرین نمایش نمی‌شود مدت زمان گذاشت، نمایش باید در طول تمرین شکل بگیرد و این نیازمند استقامت است.

*** با توجه به اینکه خانم هدا ناصح به تازگی و در مدت کوتاهی به گروه پیوسته است به نظر شما توانسته به نقش خود برسد و برای اجرا در جشنواره آماده شود؟**

بله، بسیار عالی آماده شدند. خانم ناصح توانستند در طول دو تا سه شب متن را حفظ شوند و برای کار آمادگی پیدا کنند چون نمایش شکل گرفته بود و نقش مقابل او اصغر همت بود و بازیگران دیگر خسرو احمدی، نگار جواهریان همگی شکل گرفته بودند.

نمایش درست در اینجا (زمانی که مجلس به توپ بسته شد)، اتفاق می‌افتد یعنی زمانی که محمدعلی شاه یک عده از مشروطه‌خواهان را کشت و اعدام کرد و عده‌ای را تبعید کرد، یکی از تبعیدشدگان همین شخصیت «ملک دیوان» است که ما در نمایشنامه داریم، که به وسیله حکومت استبداد به بندری در خلیج فارس تبعید می‌شود. حالا این «ملک دیوان» که به عنوان تبعیدی وارد این بندر شده به وسیله حاکم مستبد این بندر اسیر خرافه بازاری می‌شود. بازاری را من در این سال و زمانه به عنوان یک خرافه بررسی کرده‌ام و بر این موضوع تأکید می‌کنم که به عنوان یک عامل ضد فرهنگ و به عنوان فرهنگ مردم جنوب ایران در برابر مشروطه قرار می‌گیرد. مشروطه اگر در ایران موفق نشد و شکست خورد از ناحیه (بی‌فرهنگی و ضدفرهنگی) شکست خورد. حرف این نمایش این است و آنچه در طول این کار بررسی می‌شود همین مساله است.

*** درباره شکل اجرایی نمایش هم کمی توضیح دهید از شیوه‌های نمایش ایرانی هم در اجرا بهره گرفته‌اید؟**

از شیوه‌های نمایش ایرانی استفاده نکرده‌ام اما من خودم یک ایرانی هستم و نمایش‌هایی که به صحنه می‌آورم هم ایرانی است و تا به حال نیز در آثارم نخواست‌ام از تکنیک خاصی استفاده کنم، حال تا چه حد در کلاسیسم غوطه خورده‌ام یا چه حد به حیطه مدرنیته کشیده شده‌ام، مساله دیگری است. اما آنچه که می‌دانم این نمایش یک نمایش ایرانی است و به وسیله تجربه و اندوخته‌هایی که ما از تکنیک تئاتر ایرانی آموختیم، شکل گرفته است.

*** در هنگام بازیابی، مواردی از اثرتان بود که حذف شود، یا به دلیل موارد ممیزی مشروط به بازیابی مجدد شود؟**

خیر، متن تصویب شده بود و این نمایش به جز متن در مرحله تمرین شکل اصلی خود را پیدا کرد. حدود ۵ ماه در فرهنگسرای ارسباران تمرین داشتیم. سالن تمرین فرهنگسرای ارسباران را هم فقط به دلیل لطف مدیران فرهنگسرا به ویژه آقای (مجید گیاهی) که به من داشتند در اختیارم گذاشته شد. در این مدت به ویژه در مورد بازیگران بسیار وسواس به خرج دادم تا بالاخره

*** «تهرن» یک بخش از مراسم زار است و ظاهراً موضوع نمایش شما به دوران مشروطه بازمی‌گردد. مایل‌م در مورد ارتباط این آیین و سوژه نمایش‌تان برایمان بگویید؟**

بله، همان‌طور که گفتید، «تهرن» یک بخش از مراسم زار است. ریشه آیین زار هم در آفریقا است و به وسیله آفریقایی‌های مهاجر وارد بنادر و جزایر جنوب ایران شده است. باد زار یک توهمی است از یک بلا یا مرضی که بر جان انسان می‌نشیند، امروزه علم پزشکی برای هر بیماری یک میکروب، یک ویروس، یک عامل فیزیکی کشف کرده و نشانی برای آن متصور است و براساس آن راه مداوای آن را نیز می‌شناسد، ولی در آن سال‌ها که هنوز میکروب و ویروس شناخته نشده بود و بدن انسان ناشناس بود، وقتی عارضه‌ای برای کسی دست می‌داد به وسیله جادوگران مخصوص قیابیل که در واقع همان پزشکان قبیله بودند درمان می‌شدند. نظر آنها این بود که یک باد بر بدن بیمار نشسته است و او را بیمار کرده و برای هر باد اسمی، و شخصیتی قائل بودند، برای نمونه این باد «لیوا» است یا این باد زار است. در باد زار این «شیخ شنگر» یا «امگاره» و «بوماریون» است. این اسامی انواع بادهای زار است که هرکدام خصوصیات متفاوتی دارند و در نهایت بادها یا کافرنده یا مسلمان، باد مسلمان مانند ویروس خوش‌خیم مداوا می‌شود و به اصطلاح زار از بدن مریض یا مرکب پیاده می‌شود ولی باد کافر یعنی ویروس بدخیم پیاده نمی‌شود و قابل مداوا نیست. در این مرحله به آن بیمار «تهرن» می‌گویند، بادکافر نیز مراحل مختلفی دارد، یک باد کافر است که زایمان نمی‌کند و در واقع مسری نیست ولی یک باد زار است که زایمان می‌کند و به اصطلاح پزشکی امروز سرایت‌کننده است. شخصی که باد کافر دارد و بادش زایمان می‌کند به حکم بابازار به کوه یا بیابانی دوردست برده و زنجیر می‌شود تا آنجا بماند بمیرد و این عاقبت کسی است که تهرن است. حرف اصلی این نمایش در مشروطه و شکست مشروطه در ایران است. مشروطه در دو مرحله شکست خورد: یکی در سال ۱۲۸۴ که اصلاً مشروطه اتفاق افتاد و مجلس اول تأسیس شد و بعد از مدتی محمدعلی شاه برضد مشروطه کودتا کرد، مجلس را به توپ بست و مشروطه‌گران را تار و مار کرد. این



اصغر همت: به خاطر استاد محمد پذیرفتم

اصغر همت بازیگر نقش «ملک دیوان» که نقش اصلی این نمایش است در هفته‌های پایانی تمرین و پس از بازبینی به گروه پیوسته است. او درباره این نقش می‌گوید: «بازی در این نمایش را که دیگر مراحل پایانی تمرین خود را سپری می‌کرد به دلیل دل‌بستگی استاد محمد به تئاتر پذیرفتم.» این بازیگر هرچند نخستین تجربه همکاری با محمود استاد محمد را در صحنه پشت سر می‌گذارد اما به گفته خودش همواره کارهای این هنرمند را دنبال می‌کرده و با آثار او آشنایی داشته و ارتباط خوبی با این کارگردان برقرار کردن است.

«همت» درباره ویژگی کارکردن با استاد محمد می‌گوید: من تنها در دوران دانشجویی عضو گروه‌های نیمه حرفه‌ای بودم؛ مدتی نیز در شهرستان شیراز فعالیت در گروه‌های تئاتری را تجربه کردم؛ اما در یکی دو دهه اخیر هیچ گروه تئاتر حرفه‌ای در تئاتر ایران وجود نداشته و ندارد و به همین خاطر تمام کارهایی که من در این سال‌ها اجرا کرده‌ام، صرفاً به‌خاطر آشنایی با کارگردانان بوده است. «محمود استادمحمد» اگرچه سلامت جسمی چندانی خوبی ندارد، اما همچنان با شور و هیجان خاصی فعالیت می‌کند که حتی گاه بیش از انتظار است؛ او آنچنان با هیجان فعالیت می‌کند که موجب شگفتی من است.



جواهریان: مهمترین ویژگی کارکردن با استاد محمد

نگار جواهریان بازیگر «تاج‌ماه» که نقش دختر ملک دیوان، خورشید و نوه ناصرالدین را بازی می‌کند معتقد است: ویژگی مهم این نمایش نشان دادن برهه حساس و خاصی از تاریخ است اما مهم‌ترین ویژگی این نمایش کارکردن با محمود استادمحمد است زیرا «تهرن» برای او که ۸ سال پیش با این کارگردان «دیوان تیاترال» را در صحنه تجربه کرده است، یک حس نوستالژیک دارد.

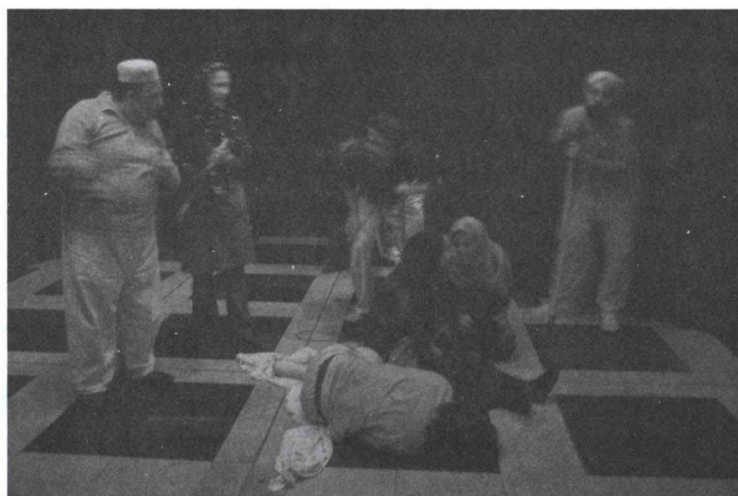
هدا ناصح:

تجربه منحصر به فرد ده سال اخیر

هدا ناصح نیز یکی از بازیگران اصلی نمایش است که در آخرین روزهای اجرا و با رفتن پردیس افکاری به گروه پیوسته است او نیز از همکاری با محمود استاد محمد خوشحال است و می‌گوید: «در این ۱۰ سال تجربه بازیگریم تاکنون در این سبک و سیاق کار نکرده بودم. او که نقش «خورستا» همسر «ملک دیوان» و دختر ناصرالدین شاه را بازی می‌کند، معتقد است نقشش بسیار جای کار دارد و هر بار متوجه ویژگی‌های تازه‌ای در آن می‌شود.

ناصرح در ادامه می‌افزاید: «برای ایفای این نقش در مورد کاراکتر یک زن قاجار بسیار مطالعه و عکس‌های زیادی را تماشا کردم. این نقش خیلی جذاب است، اما من فکر می‌کنم در اجرای عمومی است که به آنچه دلخواه من است، خواهم رسید.

به گفته این بازیگر، استاد محمد به خوبی بازیگر خود را راهنمایی می‌کند و بازی در مقابل نقشی که بازیگر آن اصغر همت است برای او جذاب است.



شب روی سنگفرش خیس، به یاد اکبر رادی

«شب روی سنگفرش خیس» نمایشی از زنده یاد «اکبر رادی» است که این بار توسط گروهی از همشهری هایش راهی جشنواره تئاتر فجر می شود.

«هومن میرمعنوی» کارگردان جوان رشت با گروه تئاتر صحنه، نمایش مرحوم رادی را با شکل تازه ای در روزهای ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه در تالار تازه گشوده شده «محراب» اجرا می کنند.

در این نمایش برخی از پیشکسوتان تئاتر رشت ایفای نقش می کنند و به گونه ای یادی از نمایشنامه نویس بزرگ ایران را در حالی که هنوز ۵۰ روز از مرگ او سپری نشده، زنده می کند.

به گفته میر معنوی متن روایی و سوررئال نمایش رادی او را به سمت آن جذب کرد و در یک نشست دوستانه با گروه، قرعه شرکت در جشنواره بخش چشم انداز جشنواره تئاتر فجر به نام او زده شد.

این کارگردان در اجرا بدون هیچ تغییری در متن رادی تنها با حذف خاموش شدن نور صحنه و برداشتن پرده های نمایشی به شکل داستان گونه و روایی نمایش

افزوده است. به گفته او تنها بخش کوتاهی از نمایشنامه به خاطر شرایط زمانی جشنواره با مشورت خود زنده یاد رادی کاسته شده است.

انوش نصر، رضا میرمعنوی، حسین توشه، فرهاد رحمان زاده، مجید پرکار، بهنام قربانی، هدیه میرمعنوی، مرجان شیخ اسلام خواه و آریتا اغزیرت بازیگران «شب روی سنگفرش خیس» هستند که ۱۴ روز از روایت دکتر مجلسی (نقش اصلی نمایش) را بازی می کنند. آرش عشقی آهنگساز این نمایش است و خواننده گیلکی زبان ایران فریدون پور رضا (خواننده مجموعه پریننده «پس از باران») برای این نمایش آواز می خواند. سحر کاظمی طراح صحنه و احمد صدیقی طراح نور هستند. ساخت دکور نیز به عهده مصطفی جعفری است. ابراهیم حسن زاده نیز به عنوان مدیر صحنه گروه را همراهی می کند.

این نمایش در روزهای چهارم و پنجم جشنواره (۲۰ و ۲۱ بهمن ماه) در دو نوبت ۱۶ و ۱۹ در تالار محراب اجرا می شود.

کارگردان «شب روی سنگفرش خیس»:

این اثر رادی، فضایی سوررئال دارد

وقتی «هومن میرمعنوی» کارگردان جوان تمرینات نمایشنامه «شب روی سنگفرش خیس» را شروع کرد، استاد اکبر رادی زنده بود و کم و بیش در جریان کار این گروه همشهری خود قرار داشت؛ اما این نمایش زمانی به بار نشست و به صحنه تئاتر فجر رسید که استاد پرواز کرده بود و شاید روحش آخرین اجرای این نمایش را این بار نه در تالار اصلی تئاتر شهر بلکه در تالار تازه گشوده شده محراب ببیند. گفت و گو با هومن میرمعنوی هنرمند جوان رشت را می خوانید:

■ چرا با «شب روی سنگفرش خیس» و شرکت در بخش چشم انداز ۸۷ در جشنواره امسال شرکت کردید؟

فراخوان جشنواره اعلام شده بود که هر کارگردان طبق آن می توانست در یک بخش جشنواره شرکت کند. با هنرمندان گروهمان، گروه «صحنه» برنامه ریزی کردیم و قرعه بخش چشم انداز به نام من افتاد. چون این بخش جشنواره نخستین سالی است که شکل گرفته و می تواند بستری برای اجرای عمومی در تهران باشد، برایم اهمیت بسیاری داشت. پس از مشورت با شادروان استاد رادی موافقت شد متنی از ایشان را به جشنواره ارسال کنم و البته من مایل به اجرای متن «لبخند باشکوه آقای گیل» بودم، اما دبیرخانه جشنواره اعلام کرد چون این متن توسط آقای مرزبان در حال تمرین است، امکان اجرا ندارد و بهتر است متن دیگری ارائه شود که من متن «شب روی سنگفرش خیس» را ارائه دادم.

■ ویژگی این متن چه بود؟

این یک متن سوررئال از استاد رادی است. گرچه ویژگی کلی آثار مرحوم رادی رئالیستی بودن آنهاست، اما این متن یک فضای سوررئال داشت و بسیار روایی

بود. من هم که به سبک روایت علاقه مند و هم نمایشنامه های سوررئال را دوست دارم، این متن را انتخاب کردم. در این متن زندگی دکتر مجلسی در ۱۴ روز روایت می شود و زبان آن هر چند روزمره و محاوره ای، اما بسیار زیباست.

■ متن در اجرا چقدر تغییر کرد؟

تنها تغییرات در این حد بود که در متن هر پرده نمایش با روشن و خاموش شدن نور صحنه مشخص می شود، اما من این کار را نکردم و در نمایش از ابتدا تا پایان اصلاً نور خاموش نمی شود. اما متن در این اجرا تغییرات زیادی نکرد. البته با مشورت خود استاد رادی مقداری از آن به خاطر شرایط زمانی اجرا در جشنواره کم شد، ولی داستان و پی ریزی آن تغییر نکرد.

■ نمایش شما در تالار محراب، تالاری که به تازگی گشوده شده اجرا می شود، آیا انتخاب شما هم این تالار بود؟

این تالار انتخاب من نبود، اما سالن برای اجرای ما مناسب است. دکور ما دو طبقه است و نیازمند یک تالار با ارتفاع زیاد بود. به ما حتی پیشنهاد تالار چهارسو را هم دادند اما این تالار مناسب نصب دکور ما نبود.

■ جشنواره امسال را چگونه دیدید؟

همکاری دبیرخانه با ما بسیار خوب بود. از نظر برنامه ریزی اجرا، بستن قرارداد و کمک هزینه همه چیز مناسب بود. دبیرخانه با ما مرتب در تماس بود و ما را در جریان همه چیز می گذاشت که این نکته بیانگر این است که آنها نگرانند و می خواهند نمایش ما به خوبی اجرا شود. به نظر امسال جشنواره خوبی از نظر اجرایی خواهیم داشت. امیدوارم این گستردگی جشنواره را خراب نکند.

■ وضعیت تئاتر رشت چگونه است؟

انجمن نمایش منحل شده اما این موجب خاموشی تئاتر نشده است. بزرگترین مساله و مشکل ما در تئاتر گیلان مساله مالی است. وقتی بودجه از تهران می آید باید بین همه هنرمندان استان تقسیم شود و این بودجه بسیار ناچیز، کافی نیست.

مدارا، برگرفته از نمایشنامه مده آ

«مدارا» نام یک زن در نمایش وحیده قوهستانی است که برگرفته از سرنوشت نمایشنامه تراژیک «مده آ»ی معروف است. اما این بار در قالب و ساختاری بسیار نو و جدید به صحنه می آید. وحیده قوهستانی اولین تجربه کارگردانی خود را در این جشنواره و با نمایش «مدارا» به صورت مشترک با همکاری همسرش «سیدمهدی فرجامی» رقم می زند.

«مدارا» داستان زنی پزشک است که به خاطر همسر و بچه خود خانه نشین شده است اما پس از مدتی متوجه رابطه پنهانی همسرش با زن دیگری می شود و در اینجا سرنوشت «مده آ»ی معروف برای او تکرار و داستان نمایش جذاب می شود. او تصمیم می گیرد با اجرای «مده آ» در آشپزخانه خانه شان آگاه کند و...

به گفته قوهستانی در اینجا دیگر «مدارا» مانند «مده آ» عمل نمی کند و فرزندش را نمی کشد. او می گوید هدفش از اجرای نمایشنامه این بوده که کاربرد اسطوره در زندگی امروز را بررسی کند. قوهستانی خود متن «مدارا» را نوشته و با همکاری همسرش «فرجامی» آن را برای اجرا در جشنواره فجر آماده کرده است.

آنها هرچند متن را از شهرستان فسا برای حضور در بخش چشم انداز ارائه کرده اند اما تمرینات آن را در تهران و اداره تئاتر دنبال شده است. دکور «مدارا» نیز مانند متن و اجرایش دکوری با ایده نو و طراحی خلاق است. فضای آن یک آشپزخانه به صورت نعل اسب است و حالت چرخشی دارد طوری که همزمان با بازی بازیگر و به فراخور صحنه نمایش می چرخد.

این نمایش در روزهای (۱۸ و ۱۹ بهمن ماه) در کارگاه نمایش تئاتر شهر اجرا می شود.

کارگردان «مدارا» :

هدفم تلفیق اسطوره با زندگی امروز بود

وحیده قوهستانی و سیدمهدی فرجامی امسال با نمایشی براساس اسطوره «مده آ» در بخش چشم انداز جشنواره حضور پیدا کرده اند. «مدارا» نمایشی در قالب اجرایی مدرن از روایت تلخ «مده آ» است. گفت و گو با وحیده قوهستانی را پیش رو دارید:

■ از داستان «مده آ» تا چه حد در روایت داستانی نمایش استفاده کرده اید؟
داستان نمایش «مدارا» درباره زن پزشکی است که به خاطر فرزند و همسرش خانه نشین شده است، اما ناگهان متوجه رابطه پنهانی همسرش با زن دیگری می شود. او تصمیم می گیرد «مده آ» را در آشپزخانه خانه اش اجرا کند و با کنایه موضوع را به همسرش بفهماند. به هر حال نمود داستان های اسطوره ای مانند مده آ در زندگی امروز ما فراوان هستند، هدف من ارائه کاربردی بود که این اساطیر می توانند در زندگی امروز داشته باشند. در واقع من مایل بودم تلفیقی از زندگی امروز با اسطوره های کهن به تصویر بکشم.

■ چطور برای نخستین تجربه کارگردانی، بخش چشم انداز را انتخاب کردید؟
پیش از این به عنوان دستیار کارگردان در کنار همسر سیدمهدی فرجامی بودم و تجربه حضور در جشنواره را هم داشتیم. اما این نمایش اولین تجربه حرفه ای من بود که به صورت مشترک با او کار کردم. من به طور اتفاقی نمایشنامه «مده آ» ترجمه رضا قیصریه را خواندم و ایده این نمایش در ذهنم شکل گرفت و پس از نوشتن نمایشنامه آن را به بخش چشم انداز ارائه کردم و خوشبختانه «مدارا» در بازخوانی قبول شد و ما به جشنواره فجر راه پیدا کردیم.

■ شیوه اجرای این نمایش به چه ترتیب است؟

نمایش در یک آشپزخانه می گذرد که به فراخور صحنه ها چرخان است، در واقع صحنه ها به شکل یک نعل اسب است و به فراخور بازی بازیگر می چرخد.

■ باتوجه به اینکه گروه شما در دوره های قبل هم از شهرستان در این جشنواره حضور داشت، وضعیت جشنواره امسال را در مقایسه با سال های قبل چگونه می بینید؟

امسال از نظر کمک های مالی مشکلات ما بسیار کمتر بود، به طوری که تا امروز قسط اول گروه پرداخت شده است، البته این مبلغ تنها دستمزد چهار اجرای جشنواره است و قسط دوم قرار است بابت ۲۶ اجرای بعدی پرداخت شود. اما به هر حال روند پیشرفت کارها حاکی از یک برنامه ریزی بود.

■ حمایت مسوولان شهرستانی از کار شما چطور بود؟
اصولا چندان برای مسوولان ما در شهرستان ها اهمیتی ندارد که ما به جشنواره تئاتر فجر راه پیدا کرده ایم. در حالی که اگر یک گروه ورزشی شهرستانی موفقیتی کسب کند بیشتر از راه یافتن یک گروه هنری به جشنواره اهمیت دارد، اصولا تئاتر در شهرستان ها هیچ اهمیتی ندارد.

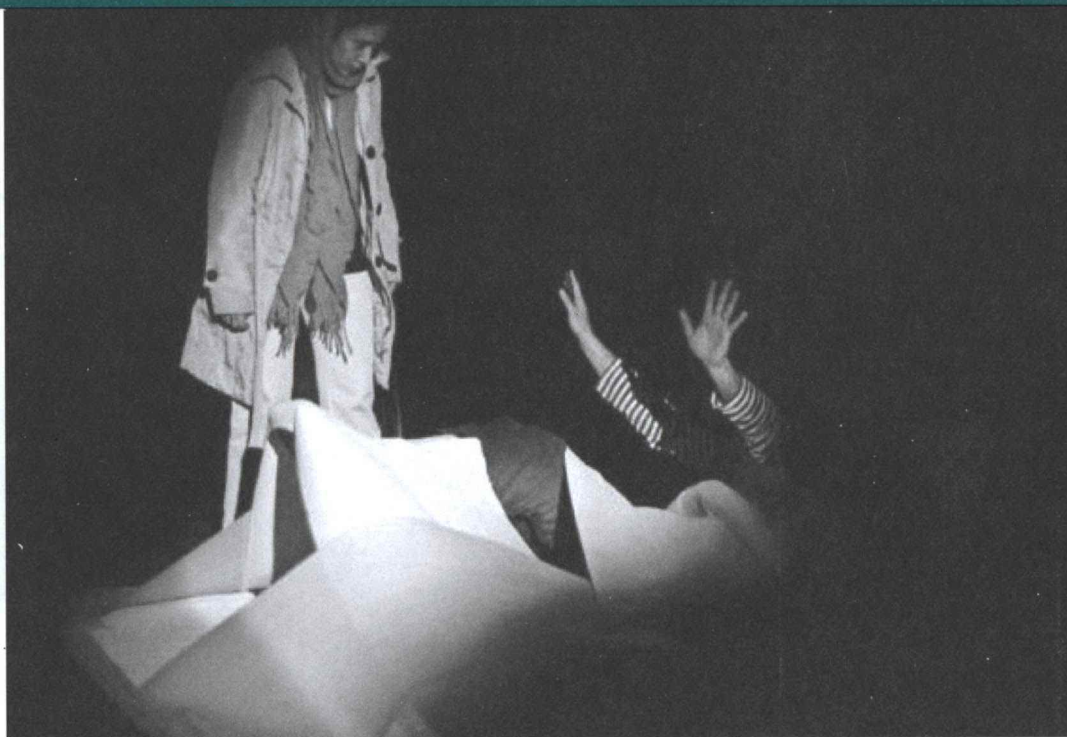
■ با این وصف وضعیت تئاتر در شهرستان ها را چطور می بینید؟
دسترسی به منابع و اطلاعات در شهرستان ها دشوار است. همین مورد سبب ضعف در بازیگران شهرستانی می شود. برای همین هرچند که ما بازیگران شهرستانی خوبی داریم، اما چون با تکنیک های جدید آشنا نیستند، کار اثرگذاری نمی توانند ارائه بدهند.

■ یعنی اداره کل وزارت فرهنگ و ارشاد شهرستان شما بودجه ای در اختیار گروه های تئاتر نمی گذارد؟

خیر. حتی یک ریال، به عنوان نمونه ما برای ساخت دکور هم خودمان هزینه کردیم، اما دبیرخانه جشنواره از ما بسیار حمایت کرد. دبیرخانه جشنواره امسال نسبت به سال های قبل با نظم و مدیریت بیشتری اداره می شد. امسال از لحاظ اطلاع رسانی و تسهیلات همه چیز به طور منظم صورت می گرفت و این نکته کاملا نشان دهنده برنامه ریزی دقیق است.

مکاشفه‌ای تازه

● رضا آشفته



حالا با این وضعیت روشن، می‌توان اتفاق موردنظر را ایجاد و احساس کرد. یک مرد بازیگر در دنیایی کاملاً ذهنی یک بازی در شکل ظاهر و یک فرآیند جست‌وجوگرایانه در شکل باطنی آن برای خود می‌سازد. سپس از تماشاگر می‌خواهد و این خواستن تقریباً ناخواسته است و البته بخشی هم به خود اجرا و مصالح آن برمی‌گردد که از همان نقطه آغازین این شراکت فکری و روحی را برای ایجاد یک انرژی و تخلیه آن فراهم کند. همان فضایی که در فرآیند رقص و سماع درآویش ساخته می‌شود و البته به دلیل مشارکت جمعی افراد به شکوه و عظمتی غیرقابل وصف می‌رسد و در اینجا فقط این فضا احساس می‌شود و البته بازیگر مرد در شکوه این فرآیند غرق شده است. شاید لاغری تن و تکیه‌دگی چشم‌ها، دلالت به ریاضتی چندین‌ماهه کند که بدون تمرین‌های پیوسته و یک تمرکز متعالی و اشراف بر بدن، در زمان حرکت و ایستایی آن، چنین فرآیندی ناممکن بود.

علی معینی بازیگر و کارگردان پرفورمنس «زندگی متناقض نمای من»، پیش از این‌ها هم با بازی در رقص روی لیوان‌ها و تجربه‌های اخیر امیررضا کوهستانی، بازیگر بودن خود را اثبات کرده بود. او این‌بار با یک گروه فرانسوی و در جشنواره تئاتر فجر، یک تجربه دیگرگونه و متفاوت را در صحنه اجرا می‌کند. شرایطی سخت برای بهره‌مندی از بیان و بدن بازیگر که البته علی معینی از این مهم به‌نحو مطلوبی عبور می‌کند. این همان راهی است که با زبانی علمی و نگاه پژوهشی و رسیدن به زیبایی‌شناسی محض بدون چون و چرا، همه را به تعلل گرفتن و جریان یافتن یک حرکت نوین اجرایی آگاه و عجین می‌سازد. شاید به این راحتی‌ها هم که گفتیم نباشد و البته گذر زمان و سماجت و پیگیری‌های هنرمندانه افراد است که در ایجاد آن مهمتر خواهد بود.

بدن القا می‌کند و گاهی این حرکات به فرم رقص و در ادامه خروج انرژی برای رسیدن به یک لحظه ساکن و ساکت بعد پیدا می‌کند، همان بعد چهارم و انتزاعی. بدن مرکز این انرژی است و رقص ابزاری در شکل بخشیدن و خروج این انرژی... فضا با حرکات و صداها لریز می‌شود، او اضطراب خود را زیرپا می‌گذارد و بر همه چیز مسلط می‌شود اما می‌داند که به تنهایی از پس خروج جسمانی خود برنخواهد آمد. نیاز به حضور دیگری دارد، کسی که او را از این دنیای پر از رمز و راز بیرون ببرد. او که خود به سختی تن به این شرایط داده است، حالا می‌داند که اینجا، جای او نیست و باید به‌گونه‌ای دیگر از این فضای نامطلوب بیرون برود. صوت و آگاهی بر آن یک راه‌حل اساسی برای نجات مرد - بازیگر است. همه امواج در خدمت او قرار می‌گیرند تا در مکاشفه وجودی خود بر ارکان هستی مسلط و آگاه شود. کسی که بتواند در این کنش‌های لامکانی و لازمانی، به تمرکزی بنیادین دست یابد، می‌تواند بر نادانستگی‌ها مسلط شود و با دانشی فراتر از دریافت‌های معمول، راه را به سوی یک دنیای برتر باز خواهد کرد؛ شاید جایی که از آن هبوط کرده است. این اتفاق می‌تواند کاملاً ذهنی و حتی رویایی فرض شود. چون در این صحنه شاهد یک اجرای پرفورمنس هستیم و این دنیا بستگی به ساخت و ساز بدنی و حرکتی بازیگر مرد دارد که خود را با ابزاری که در خدمت گرفته، به نقطه‌ی راهی سوق دهد.

ابزار در وهله اول بدن است و بعد یک دستگاه صوتی و صداساز و یک دستگاه ویدیویی دستی! همین! او تکلیف خود را با این ابزار معلوم می‌کند، می‌داند که در این شرایط خلق یک نمایش با تعاریف ارسطویی و حتی ضد ارسطویی ناممکن است، پس خیلی مدرن‌تر از این‌ها پا را پیش می‌گذارد و آنگاه در یک شرایط نوظهور، پرفورمنس را قالب و دستگاه اجرایی این شرایط و امکانات می‌گرداند.

حرکت و صدا... یک زایش برای مکاشفه‌ای تازه و البته شاید... بازیگری که در صحنه خود را به یک نوار پارچه سیاه می‌پیچاند، و روی آن کلمات، جملات و اعدادی به دو زبان فارسی و انگلیسی دیده می‌شود... و پیش از این هم، او در سالن انتظار توضیحاتی در این باره داده است... حالا منتظریم، شاید همه تماشاگران به چنین حس مشترکی رسیده باشند... و یک تمرکز درونی و فردی که شاید اتفاقی ایجاد شود و نه یک موقعیت یا یک فضای حسی و یا تصویری منقلب‌کننده!

کلمه، گفت‌وگو با خود، گفت‌وگوی درونی و الهام‌بخش، یک فرآیند از تولد تا بازگشت دوباره (به عبارتی مرگ، شاید!)

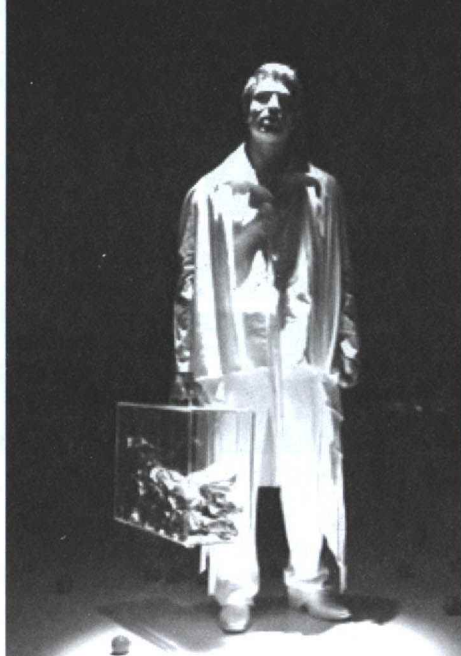
صدا یک رکن اساسی است، در این فرآیند بازی با بدن و ایجاد حرکت. گاهی حرکت موزون و گاهی شکسته و ملال‌آور.

این پراکندگی در زبانی نگارشی نقد ارتباط لاینقطع با آنچه در صحنه دیده شده است ارتباط پیدا می‌کند. یک اجرا که در آن منطق واقع‌گرایانه حکومت نمی‌کند و همه چیز از نظمی کشف و شهودانه تبعیت می‌کند. در این مسیر همه مدعوین به یک تمرکز جمعی و خروج انرژی از تن فراخوانده می‌شوند و این بازی باید با حضور تماشاگران برای کمک به بازیگر برای خروج از این اتفاق باشد. او مدام کمک می‌خواهد و کمک، البته فقط دو نفر به دانش می‌رسند تا کلمات نوشته شده روی پارچه را بخوانند. برای آنکه این مرد - بازیگر خواندن و نوشتن نمی‌داند و نیاز به کمک دیگران دارد. شاید این کلمات پراکنده و تقریباً بی‌ربط رمزی را بر او باز خواهد کرد، رستگاری در پایان این فرایند و جست‌وجوی ذهنی و آیینی ممکن خواهد شد.

بازیگر با تن خود، صدای خود و یک میکروفن ذهنی و دستی، مدام صدا می‌سازد و حرکاتی را بر این اساس با

نقد نمایش یرما

شاعرانگی لورکا در اجرای شیشه‌ای...!

سیدعلی تدین صدوقی
عضو کانون ملی منتقدان تئاتر

مورد دیگری است. هرچند که بازیگران سعی خود را کرده‌اند اما تنها از راه بیان و تغییر لحن است که حس‌های گوناگون را منتقل می‌کنند. متن به جز اسارت زنان و تقبیح سنت‌های پوسیده زیرلایه‌های دیگری نیز دارد که در این اجرا به آن توجهی نشده است. ظاهراً کارگردان ذهنش بیشتر معطوف شیوه اجرا بوده تا یک درام‌تورزی کامل و همه‌جانبه. شاید لورکا خود نیز تنها درگیر مسائل زنان و جنبه‌های حسی و غریزی و جنسی آنان نبوده. لورکا در اوایل دیکتاتوری فرانکو زندگی می‌کرده. در زمان جنگ‌های داخلی اسپانیا و در آخر برگشت فاشیست‌های فرانکو تیر باران می‌شود. تمام متون لورکا، لبریز از حس آزادی و آزادخواهی است. در اینجا یرما می‌تواند اسپانیا باشد. اسپانیایی که آماده زایش است اما مردان آن سترون، سترون از حس آزادی و آزادگی و درگیر مطامع ریز و درشت، مردم اما خود به نوعی دیگر درگیرنده آنان با تعصبات بیهوده، باورهای غلط و... غیره دست و پای خویش را بسته‌اند و اندیشه‌شان گویی مسخ شده است. یرما اما می‌خواهد که زاینده باشد او پاک است چون میهن، چون اسپانیا و تشنه زایش نسلی نو. او می‌خواهد فرزندان به دنیا بیاورد که دیگر سترون نباشند و لبریز از حس عشق و آزادگی و مبارزه بر علیه ظلم و استبداد باشند. بر ما خود در قفسی شیشه‌ای اسیر است او معنی این را می‌داند پس با تمام تبعات خطرناک ناشی از حرکتش مبارزه می‌کند آنها را به جان می‌خرد. و در آخر ریشه این سترونی را از بن بر می‌کند.

اینها و... موارد بسیار دیگر از نظر دور مانده‌اند. هرچند که کارگردان با طراحی صحنه خواسته بخشی از فضای حاکم بر زندگی یرما و شکنندگی آن را نشان دهد. خانه‌ای شیشه‌ای پارچه طلایی که ویکتور با خود می‌برد شاید سنگباران یرما که در متن اصلی نیست به‌رغم کار کارگردان سرنوشت نهایی یرما باشد و باید بگویم طراحی صحنه و لباس در راستای مفهوم زیرین متن است و با فکر و دقت صورت‌پذیرفته که همگام با نوع شیوه اجرایی و خواست و برداشت کارگردان است. در واقع بخش عمده‌ای از بار معنایی اجرا را طراحی صحنه و لباس منتقل می‌کند. از این بابت به خانم هدیه تهرانی خسته نباشید می‌گویم.



یرما در نمایشنامه لورکا زنی است اسیر سنتها و اعتقادات نخ‌نما شده. او در جامعه‌ای کوچک زندگی می‌کند. تعصباتی که پس از سالیان متمادی ریشه‌دوانیده و با خرافات و باورهای غلط آمیخته شده‌اند، رنج می‌برد. قبلاً به باور مردان این جامعه، زن نباید از خانه بیرون برود، نباید با مردی هم کلام شود و...
خوان نمونه یکی از این مردان است. او به فکر کار است و کار. برای او مهم نیست همسرش چه چیزی را دوست دارد، چگونه می‌خواهد با او به زندگی ادامه دهد. یرما از نداشتن بچه در رنج است و همین کافی است تا آرام آرام او بر علیه هر چیزی که سد راهش است به مبارزه برخیزد. خوان برایش بودن یا نبودن بچه مهم نیست حتی نبودش بهتر است اما یرما دست‌بردار نیست او بدون بچه نمی‌تواند سر کند. خوان او را نمی‌فهمد. یرما یک زاینده است و میل به زایش در تک‌تک سلول‌های جانش فریاد برمی‌آورند. در این میان ویکتور شریک خوان و دوست دوران نوجوانی یرما نیز حضور دارد که عاشق یرماست، یرما تنها به‌خاطر خواست پدر با خوان ازدواج کرده است. خوان کم‌کم به یرما شک می‌کند اما یرما پاک است. پاک پاک، او نمی‌تواند پاک نباشد. پسر درون او، یا مردی که او برای خود در درونش ساخته است و با یرما حرف می‌زند به او می‌گوید باید برود و خود را از این قفس و از این جهنم رها کند.

دیگر در شهر همه پشت سر او حرف می‌زنند و پیچ‌پیچ می‌کنند. اما برای یرما مهم نیست. ویکتور از روستای آنان می‌رود. او انگار آخرین امید یرما به زایش را با خود می‌برد. حالا دیگر معلوم شده که اشکال از خوان است. در انتها یرما زمانی که خوان مست است او را در آغوش گرفته و می‌کشد.

یرما نمایشی شاعرانه است، لورکا شاعرانگی را در ناتورالیسم و رگه‌هایی از رئالیسم درهم آمیخته است و هم از این روست که شاید کارگردان اجرا را به شیوه‌ای دیگر به صحنه می‌آورد. او از وجه شاعرانگی نمایش استفاده کرده و شیوه سوررئال را به اجرا می‌افزاید. او سعی دارد ذهنیت را به عینیت نزدیک کند. فضا سرد و ساکت است، حرکات قابتی شده و استلیزه است، کارگردان درونیات و مکنونات شخصیت‌ها را بر روی صحنه می‌آورد. اینگونه تماشاچیان به درون شخصیت او راه پیدا می‌کنند و شاید این نگاهی دیگرگونه به متن لورکا باشد اما همین نوع اجرا که در قالب فرم و محتوی جلو می‌رود. نوعی سکون، وایستایی را موجب می‌گردد که به صورت کندی در زمان نمایش و همینطور ریتم خود را نشان می‌دهد. شخصیت‌ها یکنواخت و در سطح حرکت می‌کنند بدون تحول در بازی. پرداخت شخصیت تنها به طرح درونیات کاراکتر به صورت دو شخصیت دیگر در روی صحنه محدود نمی‌شود. این کار شاید به نوعی تماشاکنان را نیز آشفته و گیج کند. تکرار در حرکات و میزانش‌ها خود

تصویب افزایش بودجه تئاتر از نگاه اهالی تئاتر

تئاتر نیاز به حمایت مالی دارد

محسن حسینی:

جشنواره مهمترین ویتترین تئاتر کشور است

محسن حسینی گفت: «جشنواره تئاتر فجر، جشنی بزرگ در ستایش تئاتر ایران است، مکانی برای دیدن و دیده شدن».

محسن حسینی کارگردان تئاتر که شب گذشته به دیدن نمایش «نوک زبان» آمده بود گفت: فکر نمی‌کنم هیچ تماشاگری باشد که بتواند این همه نمایش را ببیند، حتی علاقه‌مندان تئاتر هم موفق به تماشای نیمی از نمایش‌های جشنواره نخواهند شد، چراکه حجم کارها بسیار زیاد است. به اعتقاد من جشنواره تئاتر فجر بیشتر به یک جشن شبیه است، جشنی برای تئاتر ایران، از دیدگاه ۴۰ نمایش فستیوالی است با حضور ۳۰ یا نهایتاً ۴۰ نمایش با ویژگی‌های خاص که حتماً می‌تواند میهمانان خارجی را هم جذب کند».

وی افزود: «یکی از اهداف جشنواره‌ها دیدن و دعوت شدن است. در واقع جشنواره تئاتر فجر مهمترین ویتترین تئاتر کشور است. مکانی است برای دعوت از مدیران فستیوال‌های مطرح دنیا تا کارهای‌مان را برایشان به نمایش بگذاریم و به این ترتیب راهی به جشنواره‌های معتبر دنیا پیدا کنیم. فستیوال مطرحی که ما هنوز نتوانسته‌ایم در آن حاضر باشیم و حضور در آنها سخت به نظر می‌رسد. از سویی دیگر باید علاوه بر جذب جشنواره‌های جهانی به اسپانسرها هم توجه داشته باشیم. به اعتقاد من در جشنواره‌های گذشته در این امور موفق نبودیم، اما امیدوارم در این دوره این مساله موردتوجه قرار گرفته باشد. امیدوارم جشنواره باتوجه به شعار تئاتر برای همه مخاطبان بالقوه تئاتر نیز موفق باشد، چراکه مخاطبان تئاتر مخاطبانی خاصی هستند و تحقق شعار تئاتر برای همه چندان راحت نیست».

اما اگر در همین گستردگی، مسوولان بتوانند مخاطبان اصلی و همیشگی تئاتر را جذب کنند، موفق خواهند بود. این امر در آمارهایی که بعد از جشنواره ارائه گردد، مشخص می‌شود.

«حسینی» درخصوص عدم حضور در این جشنواره گفت: قرار بود «مزرعه مین» در بخش منتخب جشنواره‌ها اجرا شود اما به سبب نبود زمان کافی برای تمرین نتوانستم نمایش را برای اجرا در فجر آماده کنم».

نیز پشتوانه حمایت‌های مادی باشد. ضمن اینکه لازم است نحوه تخصیص بودجه نیز مشخص شود. برای مثال گزارش داده شود که چه میزان از این مصوبه صرف تولید آثار نمایشی می‌شود و هنرمندان شهرستانی چه سهمی از آن دارند؛ در این میان آموزش و مسائل جنبی از جشنواره گرفته تا چاپ نشریات، کتاب و غیره... نیز باید موردتوجه قرار گیرد. در صورت سیستماتیک بودن میزان بودجه‌ای که هزینه می‌شود، می‌توان در راه پیشرفت بخش‌های مختلف آن گام برداشت».

مریم معترف: شهرستان‌ها نیاز به حمایت دارند
مریم معترف (کارگردان) نیز با اشاره به کمبود سالن‌های نمایشی خاطرنشان کرد: تا زمانی که سالن کافی وجود ندارد، افزایش بودجه دردی از مشکلات تئاتر ایران دوا نخواهد کرد و تنها حاصل این مساله آن است که گروه‌های نمایشی دستمزد خود را در زمان کوتاه‌تری دریافت کنند. در حقیقت باید همه‌چیز به شکل اساسی درست شود و علاوه بر آن در نهادهای مختلف سال‌های تئاتر ساخته شود و گروه‌های مختلفی کار کنند. در آن وقت می‌توان امیدوار بود که فرهنگ تئاتر دیدن در بین مردم افزایش یابد.

معترف در ادامه به اهمیت گروه‌های شهرستانی اشاره کرد و گفت: فکر می‌کنم مقدار زیادی از بودجه باید به گروه‌های شهرستانی اختصاص یابد.



هفته گذشته امیر رضا خادم، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس از تصویب افزایش بودجه تئاتر خبر داد، براین اساس و با در نظر گرفتن افزایش صددرصدی اعتبار هنرهای نمایشی، نظر تعدادی از هنرمندان تئاتر را درباره نحوه هزینه کردن این بودجه و بخش‌هایی که نیاز بیشتری به توجه مالی دارند، جویا شدیم.

عزیزی: بسیاری از مشکلات حل می‌شود

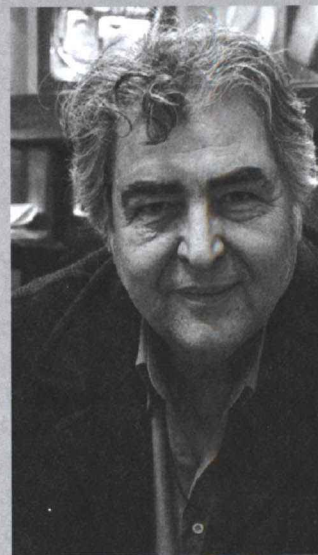
«محمود عزیزی»، مدرس و بازیگر تئاتر، درباره نحوه هزینه کردن این بودجه در بخش‌هایی مثل «تئاتر برای همه» گفت: «اصولاً تئاتر باید هنری مختص همگان باشد و مانند کارخانه‌ای عمل کند که برای اقشار مختلف مردم محصولات متفاوتی تولید می‌کند».

لازم است هنرمندان این رشته نیز به تناسب جایگاه اجتماعی آدم‌ها و جایگاهی که خود برای بخشی از جامعه تصور می‌کنند، به فعالیت پردازند تا آثاری که ارائه می‌دهند، مورد استقبال قرار بگیرد. این مساله باید در اختصاص بودجه نیز در نظر گرفته شود؛ اگر تئاتر را هنری برای همگان می‌دانیم، باید با بودجه‌ای که برای آن در نظر می‌گیریم، با دیدگاه‌ها و دیدگاه جهان‌بینی‌های مختلف و ... همخوانی

داشته باشد. افزایش بودجه خود به خود گونه‌های تئاتری مختلف با مضامین متنوع را به همراه خواهد داشت و این بسیاری از مشکلات را حل می‌کند.

ایرج راد: تنها حمایت مادی کافی نیست

ایرج راد بازیگر تئاتر نیز با ابراز خوشحالی از اضافه شدن بودجه تئاتر گفت: «بودجه فرهنگی و هنری به‌طور کامل نیاز به افزایش بودجه دارد؛ اما اتفاقی که در تئاتر افتاده است نیز به تنهایی خوشحال‌کننده و بسیار حایز اهمیت است؛ اگرچه تنها حمایت‌های مادی کافی نیست، بلکه ما نیازمند این هستیم که در عرصه هنر و به‌خصوص تئاتر حمایت‌های معنوی



معرفی جشنواره‌های معتبر جهانی (جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف) جشنواره‌ای در ستایش چخوف

میهمانان مطرح جشنواره در این سالهاست، او درباره جشنواره تئاتر چخوف، می‌گوید: «این جشنواره محلی برای تبادل آرا و نظرات برای هنر است، زیرا که هنر، دیگر مرز جغرافیایی نمی‌شناسد».

چهره‌های شهری چون پیترو بروک، ادامار کرچا، گریگوریو استریلر، هارولد پیترو، تودوروس، پاتریس چرو، اندره سربان، دکلان دونیان و... در این جشنواره حضور داشته‌اند و هرکدام به نسبت علاقه‌شان مدیریت میزگردها و برنامه‌های نمایشنامه‌خوانی را به عهده داشتند. لاوروف که از شکوفا شدن این جشنواره بسیار خشنود است، در بیانیه سال ۲۰۰۷ گفت: «فستیوال ما محل نمایش گروه‌های مشهور تئاتری نیست، بلکه می‌خواهد جریان پویا و زنده تئاتر را به نمایش بگذارد و بیش از هر چیز در جست و جوی رضایت حرفه‌ای است».

هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف از ۳۰ می تا ۲۹ جولای در مسکو برگزار شد، برنامه‌های این دوره در دو بخش: تئاتر مسکو در جهان و فصلی برای تئاتر کانادا برگزار شد. علاوه بر این در هفتمین دوره جشنواره از روبرت لی پیچ تقدیر شد و نشان ویژه جشنواره چخوف به او اعطا شد.

همچنین این دوره اجرای متفاوت و جدید از داستان «باران» چخوف را به خود دید که دنیل فیتیری کارگردانی اش را به عهده داشت. مرکز تئاتر اودئون اروپا نیز امسال حمایت و تامین برنامه بخش اپرای نمایشی جشنواره را رنگ و روی تازه بخشید.

امسال بیشترین استقبال در طول برگزاری جشنواره از گروه‌های تئاتر ژاپن و آرژانتین و تایوان شد.

از مهم ترین اجراها می‌توان به «دریاچه سوان» به کارگردانی متئو بورنی (انگلیس) کاری از کلمبیا، ژاپن و ۵ تئاتر از کانادا اشاره کرد.

والری شاورین، کارگردان و رئیس جشنواره چخوف درباره این دوره از جشنواره گفت: «این فستیوال به خصوص برای اهالی تئاتر بسیار اهمیت دارد، زیرا اهالی تئاتر می‌توانند آگاهی خود را به نسبت جایگاه شان در چرخش تئاتر و فرهنگ جهان بالا ببرند. در سال ۲۰۰۹ قصد ما این است که بیش از هر چیز فصلی را به تئاتر دانشجویی و جوان اختصاص بدهیم، تا تازه نفس‌ها هم از تجربیات چند ساله این جشنواره استفاده کنند. سال گذشته مرکز فرهنگی گوته، مرکز فرهنگی فرانسه، هویپمایا ایرفلوت، رازینی فرهنگی انگلیس و بنیاد تئاتر ژاپن از اصلی ترین حامیان مالی این جشنواره بودند و به این ترتیب ۶۹ اجرا در بخش‌های اصلی جشنواره به روی صحنه رفت.

در حال حاضر این جشنواره هر سال یکی از زیباترین پوسترهایی را که در جشنواره‌های تئاتر وجود دارد طراحی می‌کند و از این نظر جزو جشنواره‌هایی است که به هنرهای جانبی تئاتر همچون نمایشگاه عکس، صورتک و پوستر بسیار اهمیت قائل است. تا امروز در ۷ دوره برگزاری این جشنواره گروه تئاتر «مهر» از ایران با نمایش «رقص روی لیوانها» به کارگردان امیررضا کوهستانی در پنجمین دوره این جشنواره حضور داشته است. جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف به آدرس Secretariat@cf.mos.ru از علاقمندان به شرکت در هشتمین دوره دعوت می‌کند، تا رزومه و نحوه فعالیت شان را ارسال کنند.



اضافه شده است؛ اپرا، باله، ویدئو آرت، نمایش خیابانی و... این جشنواره در سال ۲۰۰۱ همزمان با روز جهانی تئاتر جشنی در ستایش چخوف را سرپرستی کرد و برنامه‌هایی را در سراسر جهان به همین مناسبت برگزار کرد.

از سوی دیگر این جشنواره به واسطه حضور نام‌هایی همچون والری فرکلین و آناتونی واسیلنا در هیات موسس، بهترین گروه‌های تئاتر خیابانی به دعوت این دو استاد مسلم به مسکو سفر می‌کنند. حالا سال‌هاست که مشتاقان تئاتر هر دو سال یک بار، هنگام برگزاری این جشنواره در خیابان‌های مسکو شاهد هنرنمایی گروه‌های بزرگ تئاتر خیابانی هستند، کارگردان هنری این بخش «اسلاوا پولونین» است.

این فستیوال به خاطر اینکه هر دو سال یک بار برگزار می‌شود، در فاصله بین برگزاری دو دوره جشنواره ورک شاپ‌هایی با حضور استادان تئاتر خیابانی برای علاقمندان در مرکز میرهولدر، خانه چخوف و دانشکده هنرهای دراماتیک برگزار می‌کند. جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف، بخش‌های مختلفی دارد، در حالی که جغرافیای جشنواره در دوره پنجم و ششم به آسیا و امریکای لاتین هم سید، در چارچوب این جشنواره فصل تئاتر برزیل، ژاپن و... در مسکو برگزار شد.

حضور گروه‌های خارجی در این جشنواره طی این سال‌ها سبب شده است که تئاتر روسیه دوباره به روزگار شکوفایی خود بازگردد، در حال حاضر با همکاری گروه‌های بین‌المللی و حمایت سازمان‌های فرهنگی خارجی اهالی تئاتر روسیه نمایش‌های مشترکی را در کشورهای مختلف جهان اجرا می‌کنند و یکی از لذت بخش ترین تجربه‌ها برای بازیگران تئاتر روسیه همکاری با کارگردانان خارجی است که با آنها در جشنواره چخوف آشنا شده‌اند. یاسمینا رضا، نمایشنامه‌نویس مشهور که ریشه‌های خانوادگی اش به روسیه و آسیا نزدیک است یکی از

«تئاتر برای مردم ما یعنی زندگی» پاراجانوف - کارگران سینما

سرچشمه این آرزو که روزی تئاتری به نام «چخوف»، استاد مسلم نمایش، در روسیه برگزار شود، از سال‌ها پیش در دل اهالی تئاتر بود.

این رویا محقق نشد، تا زمانی که اولین کنگره اتحادیه انجمن‌های تئاتر USSR به ریاست «کریل لاوروف» برگزار شد، شش سال بعد در سال ۱۹۹۲ این آرزو برآورده شد. روزهایی که روسیه شرایط مناسبی نداشت و روزگار سختی را پشت سر می‌گذاشت، اما همان وقت «کریل لاوروف» خطاب به میهمانانی که برای شرکت در این کنفرانس آمده بودند، گفت: «اهمیتی ندارد که زندگی و روزگار چه قدر سخت می‌گذرد، در هر صورت ما حق نداریم که تسلیم شرایط شویم، ما نباید ناامید باشیم، برای اینکه شرایط پیش رو دقیقاً همین را می‌خواهد. هیچ هنرمندی نباید خلاقیت را به خاطر شرایط نادیده بگیرد، تئاتر ما نباید به این بهانه ارتباط هایش را با جهان بیرون از بین ببرد. بنابراین لازم می‌دانم که همین جا اعلام کنم که قانع شده‌ام همین حالا و در این شرایط تنگ و خفقان‌آور باز هم شرایط برای برگزاری یک فستیوال وجود دارد، در واقع این بدترین انتخاب است که ما منتظر باشیم تا شرایط بهبود پیدا کند و آن وقت ما به تئاتر بپردازیم، سکوت و کنار کشیدن بزرگترین خیانت به هنر و تئاتر است. فستیوال یک تعهد بی‌فایده نیست، بلکه نشان از خواسته‌های ما دارد، اینکه ما می‌خواهیم در یک فضای باز فرهنگی به تئاتر روسیه، چخوف، استانیسلاوسکی و واخسانکوف بپردازیم. چخوف به تئاتر ما غنا بخشید و افکار پرثمری را برای دنیای تئاتر باقی گذاشت. با این حال همه ما می‌دانیم که تئاتر روسیه به دلایل بسیاری چندین دهه از هنرهای نمایشی جهان عقب ماند، آن هم با داشتن گنجینه‌های تئاتری عظیم. همه ما به این بی‌عدالتی واقف هستیم و به خوبی می‌دانیم که بهترین هنرمندان ما با وجود همه سختی‌ها تلاش کردند که با این شرایط مقابله کنند. بنابراین حتی در پس پرده آهنگین تئاتر نفس می‌کشید. دلم می‌خواهد باور کنیم که فستیوال بین‌المللی تئاتر یک سنت شادمانه خواهد بود و مطلوب عاشقان تئاتر و چخوف خواهد شد».

فستیوال بین‌المللی تئاتر چخوف طبق پیش‌بینی‌های «لاوروف» محبوب و عزیز شد. تقریباً ظرف ۱۵ سالی که از برگزاری این فستیوال می‌گذرد، در هر دوره این جشنواره تغییرات چشمگیری و پیش‌روندهای را به خود دیده است. در آغاز، جشنواره تئاتر چخوف تنها به نام‌هایی اختصاص داشت که در تئاتر جهان نقش عمده‌ای را به عهده دارند، نام‌هایی همچون پیترو بروک، جورجیو استدلر، پیترو اشتاین، اوتومار کریچا و... اما درست از سومین دوره جشنواره بود که هر روز نام‌های جوان و خوشفکر به لیست گروه‌های میهمان اضافه می‌شدند، بعد هم آثار کارگردانانی که در دنیای تئاتر شهرت بسیاری داشتند و برای مخاطبان روس غریبه بودند، نام‌هایی همچون یاسمینا رضا، آریان مینوشکین و رابرت ویلسن که هر یک روزهای خوشی را برای این جشنواره رقم زدند.

از سال سوم برگزاری جشنواره بین‌المللی تئاتر چخوف بخش‌های تازه‌ای به بدنه اصلی جشنواره

گزارشی از اجرای نمایش رادیویی

دراکولا در رادیو

در فضای نیمه تاریک سالن تجربه مقابل صندلی‌ها میز مستطیل شکلی قرار دارد. صدایشه‌گان نمایش «نوش جان کنت دراکولا» پشت میکروفن‌های خود نشسته‌اند. مخاطبان محدود این اجرای رادیویی وارد سالن می‌شوند و در جای خود می‌نشینند. نورهای حاشیه سقف خاموش می‌گردد. سه، دو، یک... ضبط. مجری برای حضار به شکلی خلاصه توضیح می‌دهد نحوه ضبط نمایشنامه رادیویی به چه صورت است. سپس موسیقی فضای سالن را پر می‌کند. سکوت! جواد پیشگر که نقش کنت دراکولا را به عهده دارد دیالوگ خود را شروع می‌کند.

برخی از حضار در ابتدا در صندلی‌هایشان جابه‌جا می‌شوند اما به مرور صدای غالب بر محیط سالن، صدای صدایشه‌گان می‌شود. عوامل فنی پشت آخرین ردیف صندلی‌های حضار در هماهنگی با افکتور سر صحنه، طنین حرکات

را ایجاد می‌کنند. ماجرای این نمایش رادیویی، درگیری کنت دراکولا با خانواده یک ناناوست که در نهایت با حضور سرزده شهردار و همسرش، پایانی کمیک را موجب می‌شود. تجربه تماشای اجرای رادیویی برای اکثر حضار جذاب است زیرا به عینه شاهد آن هستند که صدایشه‌گان با توانایی مشابه بازیگران صحنه‌ای برای القاء حس و نیت درونی‌شان از عنصر صدا به شکل بی‌نظیری استفاده می‌کنند.

در میانه اجرا با بستن چشم‌ها این احساس به مخاطب دست می‌دهد که اتفاقات در ذهنش رخ می‌دهند. با پایان نمایش صدای کف‌زدن‌ها بر صداهای دیگر در محیط غالب می‌شود. گروه صدایشه‌گان در بین حضار پنخش می‌شوند و به دغدغه‌ها و سوالات آنها پاسخ می‌دهند. جواد پیشگر که خود کارگردان این اجرای رادیویی است

در پاسخ به سوالات نگارنده می‌گوید: تجربه دیداری یک اجرای رادیویی برای هر دو طرف (مخاطب و گروه اجرایی) جذاب است. استمرار چنین اتفاقی بی‌شک می‌تواند در ثبت ارزش‌های هنرمندان رادیو و این شکل از اجرا موثر باشد. وی معتقد است: اگر یک سالن خاص به این شکل از اجرا اختصاص داده شود و این سالن هر هفته پذیرای اجرای یک نمایش رادیویی باشد رابطه مخاطب عام و خاص تئاتر با هنر رادیو تقویت خواهد شد.

پیشگر در انتها می‌گوید: براین باور است که حضور بخش رسانه‌ای در جشنواره امسال حرکت خوبی در جهت شناخت عرصه اجرای رادیویی است و امیدوار است در سال‌های آتی این حرکت ادامه یابد تا اهمیت هنرمندان رادیو بیشتر نمایان شود.

کار نویی کردیم

سازنده تیزرهای جشنواره:

براساس شعار «تئاتر برای همه» سرلوحه کارمان را همسو با آن کردیم. پس نیاز بود تا با مردم به غیردانشجویان تئاتر و اهالی آن ارتباط برقرار کنیم. پس نگاه نوی ما هم در همین راستا بود و فکر می‌کنیم فکر خوبی هم از کار درآمد. ولی اگر می‌خواستیم کمی تخصصی‌تر به نشانه‌ها و نمادهای تئاتر نگاه کنیم مطمئناً تخصصی‌تر از کار در می‌آمد و از آن نمادهایی که به قول شما کلیشه شده دیگر خبری نبود. من از کارم راضی هستم و خوشحالم که بعد از سال‌ها تیزی نسبتاً قابل قبول برای جشنواره تئاتر ساختیم. در اینجا باید از آقای «خسرو شمشی‌رگران» به خاطر صدای خوششان در «نریشن» تشکر کنم.

اما بیشتر کارمان تیپیکال بود. در واقع مصورسازی شده بود. یعنی کاراکترها با حرکت‌های موزون به چند شخصیت نمادین تبدیل می‌شوند. علت تلفیق شخصیت‌ها در یکدیگر و رسیدن به یک نماد مشخص و آشنا، مخاطبان عام ما بودند که چون از تلویزیون پنخش می‌شود در نتیجه مخاطبان گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. این عام بودن مخاطبان سبب شد تا ما به سمت تیپ‌های مشخص و آشنا برویم.

■ به نظر تان به سوی تیپیکال رفتن، باعث کلیشه نشده است؟

کاری که من کردم خیلی ساده است. چون احساس می‌کردیم هیچ وقت جشنواره تیزی به این شکل نداشته است. قبلاً هر تیزی کار می‌شد چند عکس از تئاتر شهر و لوگوی جشنواره در کنار هم ادیت می‌شد و پیام‌رسانی چندان هم در پی نداشت. به این دلیل اگر مراجعه کنید می‌بینید، تیزر جشنواره یک رویداد مهم است.

■ چه نگاه نویی به تیزرهای این چنینی داشتید؟

امیر مشهدی عباس، متولد ۱۳۵۹، نویسنده، طراح صحنه و کارگردان تلویزیونی در زمینه تئاتر کودک و نوجوان، در کارنامه کاری‌اش ۷ فیلم بلند، نیمه بلند و کوتاه، ۲۵ نمایش برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ۱۷ جایزه دارد. با او به بهانه ساخت تیزرهای بیست و ششمین جشنواره تئاتر فجر گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:

■ چند تیزر تلویزیونی برای جشنواره ساختید و برای کجا پنخش شده‌اند؟

دو «وله» کار کردیم که یکی ۳۰ ثانیه و دیگری ۱۰ ثانیه بود. یکی برای ایستگاه‌های مترو و دیگری برای تلویزیون‌های شهری، یک تیزر ۴۵ ثانیه‌ای هم برای تلویزیون ساختیم.

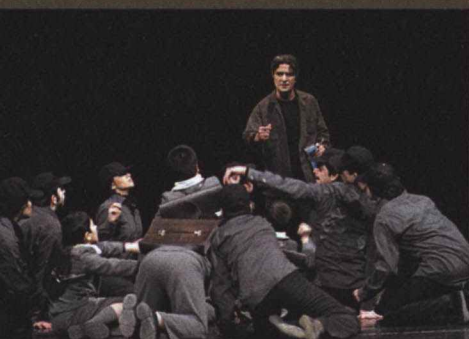
■ در تیزرها از چه سمبل و نشانه‌هایی استفاده کرده‌اید؟ از سمبل و نمادهایی که موتیف شده بود در پوسته‌های سال‌های قبل استفاده کردیم. از تکنیک استمرار در حرکات انیمه (انیمیشن) برای گذر از بیست و پنجمین دوره در تقابل با دوره بیست و ششم استفاده شد.

The Message of Art affairs Deputy Minister of Culture and Islamic Guidance

The Fajr International Theater Festival commemorates one of the most important events throughout the country after the Islamic revolution .We are honored to show the most precious and unique art works performed here as manifested in the festival for respected and wise Iranian audience. Hence we have the pleasure to present and demonstrate our best efforts in such a precious occasion.

New Outlooks in Iranian Theater

Today the daily bulletin of 26th Fajr International Theater Festival features the entries in the outlook section of the festival. In outlook section, the committee of selection has approved



eight plays namely Tehran, Uncle Tom's Cabin, Daggers, The Cadence, The giants, Rhythmic Nightmares Moderation and Night on the Wet Cobblestone. A main feature of the outlook section is the emerging voices like the young artists as Nima Dehghan, Hamid Pourazari and others beside the established pillars of drama like Mahmoud Ostad Mohammad. Night On the wet cobblestone is a master work of late Iranian dramatist and playwright Akbar Radi. The troupe is from Rasht, the capital city of Guilan province in north of Iran. These plays will be staged in 20082009-.Although there will be other plays on the stage next year.

In the feature Mahmoud Ostad Mohammad is interviewed by our correspondent. Ostad Mohammad said in the interview , the play portrays events related to the constitutional revolution of Iran in 1906.He added that he has not applied Iranian drama style, however the play is an Iranian drama with the Iranian experience and know how.

Errata

Apology for some typing errors in the Bulletin of the festival. Some of them are due to tight scheduled and shortage of time. Considering the list of 197 troupes and 714 performances in 103 halls such errors are inevitable. Kindly please amend your programmers as the following:

In Chahar Soo hall there are two performances in 16 hours 30 and 20 hours

Performances in Qashqayee hall are in 17 hours and 20 hours

Run time error of Russian Jam from Russian federation must be corrected as 190 minutes not 75 minutes



نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
 مدیرمسئول: دکتر مجید سرسنگی
 سردبیر: مهدی توکلیان
 معاون سردبیر: ایمان شمسایی
 دبیر تحریریه: آزاده سهرابی
 مدیر هنری: هومن خطیبی
 دبیر بخش عکس: بابکبرزویه
 ویراستار: یحیی گیلک
 مدیر هماهنگی: جمال جعفری آثار
 همکاران: سما بابایی، امیلی امرایی
 صفحه آرا: محسن روحانیون
 تحریریه: ایرج زهری، جمال جعفری آثار، فروغ سجادی، مریم فشتدی،
 سما بابایی، الهام فراهانی، سپیده شمس، پیمان شیخی، آذر مهاجر،
 هادی جاودانی، ندا فضلی، گلاویژ نادری
 همکاران ستاد خبری: سحر رضایی، زهره گلدار، جواد روشن، راحله فاضلی
 مترجم: امیلی امرایی، آذین شریعتی
 حروفچین: عباس میرزاجعفر و میترا تیموری

Theatre for all

تئاتر برای همه



Dramatic Arts Center
 مرکز هنرهای نمایشی

